



۱۵ خرداد، رخدادی که تبدیل به تاریخ شد

گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی^۱

شب ۱۲ محرم ۱۳۸۳ مطابق با ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حمله نظام مشروطه سلطنتی به نهادهای دینی و در رأس آن پایگاه روحانیت در حوزه علمیه قم آغاز شد. حمله به دین و نهادهای دینی، اولین تهاجم رژیم مشروطه سلطنتی به باورها و اعتقادات جامعه ایران نبود. اما نحوه برخورد مأموران نظامی و انتظامی و ساواک با روحانیت، کشتار و ضرب و شتم وسیع مردم، دستگیری‌های وسیع و عاظ و علما در تهران و شهرستان‌ها و گردآوری آنها در زندان موقت شهربانی در تهران و از همه مهم‌تر اسائه ادب به ساحت مرجعیت و دستگیری امام خمینی (ره)، همه و همه نشان می‌داد که جنس برخورد نظام شاهنشاهی با دین، نهادهای دینی، روحانیت و مردم در پانزده خرداد، از جنس دیگری است.

حافظه تاریخی ملت ایران به یاد دارد که سلطنت پهلوی از بدو تأسیس جز نابودی فرهنگ ملی، اعتقادات و باورهای مردم و حذف مذهب از جامعه و واگذاری ذخایر کشور و منافع ملی به بیگانگان علی‌الخصوص امریکا و انگلیس و اسراییل و عقب‌نگه داشتن

۱. این مقاله در فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال دوم، شماره ۳، بهار ۸۴ چاپ رسیده است.





ایران از قافله تمدن، سیاست دیگری را تعقیب نکرد. این رژیم از ابتدا به نام تجدد و ترقی، خواسته‌های به حق ملت ایران را برای استقلال، آزادی و پیشرفت و توسعه با گلوله پاسخ داده بود و با شهادت رهبران دینی و ملی چون آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی، آیت‌الله سید حسن مدرس، تهاجم به مسجد گوهرشاد و شهادت هزاران انسان بی‌گناه، دستگیری گسترده مبارزان و آزادی خواهان و شکنجه آنها در زندان و سرکوبی جنبش‌های آزادی خواهانه، در پی تأمین منافع حامیان خود در خارج از کشور بود. از همان ابتدا تضاد غیر قابل تردید نظام مشروطه سلطنتی را با باورهای دینی و منافع ملی به اثبات رسانده بود، اما در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ فصل جدیدی از تاریخ تحولات این کشور گشوده شد.

آنچه در پانزده خرداد به وقوع پیوست، یک حادثه دردناک در بیان حوادث تاریخ این مرز و بوم نبود. پانزده خرداد به تمام معنا آغاز یک تاریخ جدید در ایران بود. در زندگی اجتماعی انسان هزاران رخداد به وقوع می‌پیوندند، اما همه آنها تبدیل به رخدادهای تاریخی نگردیده و تاریخ‌ساز نمی‌باشند. بی‌تردید رخدادهای تاریخی پیوند نزدیکی با باورها و اعتقادات، بینش‌ها و گرایش‌ها و آرمان‌های یک جامعه دارند. پانزده خرداد به این اعتبار یک رخداد تاریخی است، چون پیوند عمیقی با آرمان‌های جامعه ایران دارد. چرا رژیم مشروطه سلطنتی و در رأس آن شخص شاه، با امام خمینی (ره) و پانزده خرداد مثل سایر رهبران مذهبی و ملی و سایر رخدادها بر خورد نکرد؟!

شاه با کوله‌باری از تجربه سرکوب جنبش‌های ملی و مذهبی چگونه از درک ماهیت رهبری امام خمینی (ره) و جنبش پانزده خرداد ناتوان شد؟ چرا اغلب گروه‌های سیاسی چپ و راست تاریخ ایران، در تحلیل پانزده خرداد و رهبری امام خمینی (ره) بازماندند و آن را جنبشی کور، بی‌برنامه، سنت‌گرا و ناتوان در آزادی ملت ایران از حاکمیت رژیم استبدادی شاه تلقی کردند؟

پاسخ این چراها و هزاران سؤال دیگر را باید در ماهیت نهضت امام خمینی، آرمان‌های این نهضت، روش مبارزه امام با نظام مشروطه سلطنتی، پایگاه اجتماعی امام در میان مردم و گستره نفوذ جنبش و آرمان‌های امام خمینی در جامعه جست‌وجو کرد.

اگر چه پرداختن به همه این چراها در ظرفیت یک مقاله نیست، اما برای اینکه نسل‌های جوان جامعه ما در معرض تحریف تاریخ قرار نگیرند، شمه‌ای از عظمت نهضت امام خمینی (ره) را در آزادی و استقلال ملت ایران از لابه‌لای اسناد و گزارشات آن دوران مرور می‌کنیم. این گزارشات که گزارشات رسمی کارگزاران نظام شاهنشاهی در برخورد با نهضت امام خمینی است، از جهات مختلفی گویای تفاوت این نهضت با نهضت‌های

گذشته تاریخ این مرز و بوم می باشد. این تفاوت ها را از جهات مختلفی به شکل اجمالی مرور خواهیم کرد و امیدواریم که محققین منصف و وطن دوست با تفحص عمیق و دقیق در این مقطع تاریخی، نخواهند گذاشت ارزش های این جنبش تاریخ ساز و رهبری آن و زحمات نیاکان ما در این مقطع تاریخی به دست تحریف گران حرفه ای تاریخ به باد فراموشی سپرده شود.

امام خمینی (ره) رهبری متفاوت از رهبران گذشته

شیوه رهبری امام خمینی برخلاف رهبری جنبش های گذشته مبتنی بر اصول و قواعد خاصی بود که مختص خود امام بود و در رهبرهای گذشته روحانیت سابقه ای نداشت. بنابراین رژیم از درک نحوه مبارزه امام به کلی عاجز بود و این عجز باعث می شد که بر خورد های رژیم مشروطه سلطنتی با نهضت امام خمینی برخوردی دستپاچه و غیر منطقی و همراه با ترس و دلهره باشد. این مطلب را می توان از گزارش های شب ۱۵ خرداد که رژیم پهلوی با تمام قوا به منزل امام در قم حمله کرد و همچنین گزارش های بعد از دستگیری امام دریافت.

ساعت ۳:۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد، کامیون های نظامی با صدها کماندو و چتر باز و سرباز گارد شاهنشاهی که تا دندان به اسلحه های گرم و سرد مجهز بودند، وارد قم شدند و در سکوتی ترس آور به سوی خانه امام خمینی به راه افتادند. محاصره منزل یک مرجع تقلید تا به آن روز به این شکل سابقه نداشت. چنین برخوردی نشان می داد که کارگزاران رژیم شاه، توانایی درک امام خمینی و نهضت او را ندارند. وحشت رژیم پهلوی از نهضت امام خمینی از این جهت نیز بی تردید است که برای دستگیری او با ارتشی کاملاً مجهز وارد صحنه شده بود. این ارتش نشان می داد که رژیم توانایی محاسبه نیروهای مردمی در پشت سر امام خمینی را ندارد و امام از اینکه چنین رژیم ترس آوری در مقابل او عاجز بود، نهایت استفاده را می کرد. حتی شیوه دستگیری امام نیز نشان می داد که شاه از همان اول، مبارزه را به پیرمردی زیرک و با صلابت باخته است. این باخت وقتی بر ملا شد که صدای امام خمینی با طنین خاصی در کوچه های قم پیچید که «روح الله خمینی منم! چرا اینها را می زنید؟» ارتش شاه تصور نمی کرد که با آن دبدبه و کبکبه که دل شیر را آب می کرد با پیرمردی روبه رو شود که از همان اول آنها را چیزی نداند. رژیم شاه نقطه ضعف بزرگ خود را در مقابل رهبر هوشمندی چون امام آشکار کرد. اول اینکه برای دستگیری یک پیرمرد آن لشگر عظیم را وارد صحنه کرد و





دوم اینکه از وحشت حمایت مردم از این پیرمرد، ماشین فولکس واگن سیاه رنگی را که امام خمینی (ره) را در آن نشانده بودند تا سر خیابان هل دادند و از آنجا او را با یک سواری که از پیش آماده کرده بودند، به تهران بردند.

امام خمینی (ره) متوجه شد که رژیم شاه درک درستی از میزان توانایی نهضت و پشتوانه‌های مردمی آن ندارد. این مسئله را می‌توان در گزارش‌های مقامات ساواک و شهربانی به خوبی مشاهده کرد.

رئیس شهربانی قم در گزارش خود به تهران، چگونگی دستگیری امام را این‌گونه آورده است:

... ساعت ۲/۳۰ صبح (پس از نیمه شب) روز ۴۲/۳/۱۵ سرکار سرهنگ بدیعی رئیس ساواک قم تلفناً به اینجانب اطلاع داد که برای مذاکراتی فوراً به ساواک بروم. پس از رفتن به ساواک مشاهده شد سرکار سرهنگ مولوی نیز با عده‌ای از مأمورین ساواک تهران در آنجا هستند. موضوع دستگیری خمینی مطرح گردید تا با تبادل نظر یکدیگر انجام گردد.

سرکار سرهنگ مولوی اضافه کرد از طرف تیمسار ریاست کل دستور شفاهی دارم که در این مورد راهنمایی و همکاری کنید. چون از چند روز قبل در حدود صد نفر از اهالی قریه جمکران گارد محافظ خمینی را تشکیل داده بودند^۱ و در وقایع دوم فروردین تا چند روز پس از آن خمینی شب‌ها در منازل مختلف بیتوته می‌کرد^۲ چنین تصمیم گرفته شد که خانه او و دامادش و پسرش دفعتاً تحت مراقبت قرار گرفته تا در صورتی که در یکی از منازل نبود فرصت مخفی شدن یا فرار نداشته باشد. ضمناً برای اینکه جلب توجه نشود ابتدا منزل خمینی و دو منزل دیگر توسط گارد ساواک تهران و به راهنمایی مأمورین این شهربانی و ساواک (قم) شناسایی شد و برای اینکه هیچ‌گونه ابهامی وجود نداشته باشد، کروکی منزل خمینی و دو نفر دیگر توسط شهربانی در اختیار مأمورین ساواک تهران گذارده شد.

۱. پندار واهی است که از ذهن وحشت‌زده رئیس شهربانی قم ریشه گرفته است. اهالی ساده‌دل جمکران دارای سازمان و تشکیلاتی نبودند تا «گارد محافظ خمینی» را سازمان دهند و اگر امام رخصت چنین کاری می‌داد، بی‌تردید بسیاری از مردم ایران به عنوان گارد محافظ بسیج می‌شدند.

۲. این نیز دروغ دیگری است که از جانب رئیس شهربانی قم ساخته و پرداخته شده است. شاید امام همزمان با جریان دوم فروردین ۴۲ شبی را در خانه داماد یا فرزند خود میهمان بوده است که جناب سرهنگ پرتو آن را به عنوان «بیتوته در منازل مختلف» تفسیر کرده است.



سپس سرکار سرهنگ مولوی اظهار داشتند من شخصاً در شهربانی خواهیم ماند تا چنانچه احتیاجی به شرکت گروهان سرباز باشد به موقع داخل در عمل شوند و رئیس ساواک قم و رئیس شهربانی در میدان جلو بیمارستان، اول کوچه منزل خمینی باشند و با اینجانب در شهربانی ارتباط داشته باشند تا در صورت لزوم گروهان هم داخل در عمل شود. ساعت ۳/۳۰ صبح، عده‌ای مأمور ساواک تهران به‌طور متفرقه^۱ به اتفاق راهنمایان ساواک قم و شهربانی به منزل خمینی و دو منزل دیگر مورد نظر اعزام گردیدند و خمینی را که در منزل دامادش بود^۲ دستگیر نموده با فولکس ساواک قم تا جلو بیمارستان و از آنجا با اتومبیل سواری که از تهران به همین منظور آمده بود حرکت دادند.

در جریان دستگیری فقط یک نفر در منزل خمینی قدری مجروح و یک نفر که قصد داد و فریاد داشته دستگیر و از داد و فریاد او جلوگیری و پس از دستگیری خمینی آزاد شد و پیش‌بینی می‌شد که در منزل خمینی عده‌ای مستحفظ وی باشند،^۳ لیکن در موقع دستگیری غیر از دو نفر مزبور در منزل وی کسی نبود و در منزل دامادش که خود وی دستگیر شد، اشخاص متفرقه‌ای دیده نشدند و افراد مورد نظر در مسجد سلماسی که در نزدیکی منزل خمینی است، بیتوته نموده بودند که متوجه دستگیری وی نشدند.^۴ ضمناً خمینی در آن موقع بیدار و لباس پوشیده، حاضر و خود را معرفی نمود که روح‌الله خمینی من هستم به دیگران کاری نداشته باشید.

بعد از اینکه خمینی با ماشین سواری ساواک تهران، منتقل شد آقای مولوی نیز از شهربانی رسیده و پشت سر سواری مزبور با عده‌ای گارد ساواک به تهران عزیمت نمودند.

رئیس شهربانی قم - سرهنگ سید حسین پرتو

۱. در اصل: تفرقه.

۲. چنانکه در چند صفحه پیش اشاره شد امام در خانه فرزندش شهید حاج سید مصطفی خمینی به سر می‌برد.
 ۳. این پیش‌بینی نشان از ترس و وحشت رئیس شهربانی قم و دیگر مقامات دولتی از پایگاه مردمی امام دارد. آنها باور نمی‌کردند کسی که در سخنرانی خود آن‌گونه بر سر شاه فریاد می‌کشد، بدون گارد محافظ زندگی کند.
 ۴. شگفت‌آور است که «گارد محافظ خمینی» در فاصله ۵۰۰ متری از محل زندگی امام با آسودگی خاطر به خواب رفته بودند! شگفت‌آورتر اینکه مقامات شهربانی و ساواک اقدامی برای محاصره و دستگیری آنان به عمل نیاوردند!؟



امام خمینی در پادگان‌های قصر و عشرت آباد

ماشین حامل امام راه قم - تهران را با شتاب در نوردید و یکسره به باشگاه افسران رفت. آن روز را او در آنجا گذراند. در غروب روز خونین ۱۵ خرداد با ماشین جیبی که پنجره‌هایش با پارچه سیاه رنگی پوشیده بود او را از باشگاه افسران بیرون بردند و پس از پیمودن راه دور و دراز به پادگان قصر (بی سیم) در سه راه زندان منتقل کردند. رئیس ساواک در پی دستگیری امام و انتقال او به پادگان مزبور، از اداره دادرسی ارتش خواست که قرار بازداشت امام را صادر کند. رئیس ساواک در نامه خود آورده است:

نامبرده بالا در تاریخ ۴۲/۳/۱۵ به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت دستگیر و در حال حاضر در پادگان بی سیم بازداشت می‌باشد، علی‌هذا خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به صدور قرار بازداشت مشاراً الیه اقدام مقتضی معمول و نتیجه را به این سازمان اعلام نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

سرلشکر پاکروان

اداره دادرسی ارتش نیز بی‌درنگ قرار بازداشت موقت امام را صادر کرد و در همان روز ۱۵ خرداد ۴۲ متن قرار به رؤیت امام رسانیده شد. امام به این قرار اعتراض کرد. در متن قرار بازداشت موقت امام آمده است:

درباره روح‌الله الموسوی خمینی که به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت دستگیر گردیده و تحت پیگرد می‌باشد، به علت بیم تباہی و اهمیت بزه، قرار بازداشت موقت صادر و اعلام می‌گردد و این قرار در ظرف ۲۴ ساعت طبق مقررات قابل اعتراض است.

باز پرس (۱) لشکر (۱) گارد - سرهنگ ستاد کوشا

موافقم: دادیار دادگاه عادی لشکر (۱) گارد

امام در زیر این قرار با خط خود نوشته است:

بسمه تعالی. به این قرار اعتراض دارم. روح‌الله الموسوی الخمینی.

۴۲/۳/۱۵

سرهنگ ستاد کمال کوشا، باز پرس (۱) لشکر (۱) گارد طی یادداشتی به پادگان قصر (بی سیم) قرار بازداشت موقت امام را چنین ابلاغ کرده است:

سرکار افسر نگهبان زندان پادگان قصر

طبق تقاضای شماره ۴۵۶/۱۰۳۱۳ - ۴۲/۳/۱۵ سازمان اطلاعات و

امنیت کشور درباره غیر نظامی روح‌الله الموسوی خمینی که به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور در تاریخ ۴۲/۳/۱۵ در آن پادگان بازداشت گردیده قرار بازداشت موقت به علت بیم تبانی و اهمیت بزه که به رؤیت نامبرده رسیده است صادر گردید. دستور فرمایید برابر مقررات مشاراًلیه را بازداشت و نتیجه را اعلام دارند.

در روز ۱۸ خرداد ۴۲ اداره دادرسی ارتش با تشکیل جلسه‌ای قرار صادر شده از طرف بازپرس (۱) لشکر (۱) گارد مبنی بر بازداشت موقت امام را به اتفاق آرا تأیید کرد. رأی صادر شده چنین است:

جلسه اداری دادگاه عادی به استناد مدلول ماده ۱۶۶ قانون دادرسی و کیفری ارتش ساعت ۱۲۰۰ روز ۴۲/۳/۱۸ به ریاست سرهنگ ستاد خسرو پرویزی و به کارمندی سرهنگ مهندس مصطفی ایروانی توپچی‌باشی و سرهنگ ستاد احمد اخوان ذاکری تشکیل، پس از بررسی دقیق محتویات پرونده مقدماتی که علیه غیر نظامی روح‌الله الموسوی خمینی متهم به اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت با توجه به اعمالی که اخیراً صورت گرفته و با رعایت مفاد پی‌نویس تیمسار دادستان ارتش در برگ ۱۲ و اهمیت بزه هیأت دادرسان به اتفاق آرا قرار مورخه ۴۲/۳/۱۵ صادره از طرف بازپرس (۱) لشکر گارد مبنی بر بازداشت موقت متهم مزبور را تأیید و اعلام می‌دارد...

امام حدود ۱۹ روز یعنی تا تاریخ ۴ تیرماه ۴۲ در این زندان به سر برد. آنگاه به پادگان عشرت‌آباد منتقل شد و به مدت ۲۴ ساعت در یک سلول که هوای آزاد در آن جریان نداشت گذرانید.

همزمان با دستگیری امام، آقای قمی از مشهود و آقایان محلاتی و دستغیب از شیراز دستگیر و به تهران گسیل شدند.

در پی دستگیری امام بی‌درنگ تلگرامی از ساواک قم به تهران مخابره شد. متن تلگرام چنین است:

تیمسار ریاست ساواک

خیلی خیلی خیلی فوری

با اقداماتی که شب گذشته انجام گردیده است، بیم آن می‌رود که روز جاری در قم تظاهراتی به نفع خمینی انجام گردد. یک گروهان سرباز





گارد که فعلاً در قم هستند اجازه هیچ گونه اقدامی را ندارند و استعداد
شهربانی قم نیز برای جلوگیری از حوادث بسیار کم است.

۴۲/۳/۱۵/۱۹۹ - بدیعی^۱

رئیس شهربانی قم نیز تلگرامی به شهربانی کل کشور، اداره اطلاعات مخابره کرد. در
این تلگرام آمده بود:

ساعت ۴ صبح امروز آیت الله خمینی وسیله مأمورین ساواک مرکز به سرپرستی
سرکار سرهنگ مولوی دستگیر و به مرکز برده شد. برای پیش بینی و جلوگیری از
حوادث احتمالی استدعای صدور آموزش لازم به گردان مستقر در قم را دارد.
۴۲/۳/۱۵/۵/۸۱۹ - سرهنگ پرتو^۲

گزارشات مذکور نشان می دهد که رژیم شاه تصور می کرد با خارج کردن رهبری
جنبش از قم و دستگیری او، جامعه دچار تزلزل و تردید شده و صدای نهضت خاموش
خواهد شد. اما غافل بودند که نوع رهبری امام خمینی از جنس رهبری های حزبی و
گروهی نیست که با خارج شدن رهبر و سخنگوی حزب از صحنه سیاسی، ارکان و
سازمان آنها از هم بپاشد.

خبر توقیف امام، برق آسا و بدون هیچ سازماندهی سیاسی و حزبی نه تنها در قم بلکه
در سراسر ایران پیچید و توفانی از خشم مردمی را برانگیخت. این خشم را می توانیم در
گزارشات رسمی نامداران نظامی و انتظامی و ارکان رژیم پهلوی به خوبی مشاهده کنیم.
در گزارش شهربانی قم گوشه هایی از رویدادهای خونین ۱۵ خرداد آن شهر این گونه
بازگو شده است:

... پیرو شماره ۴۲/۳/۱۵-۵/۸۱۹ و ۴۲/۳/۲۰-۵/۸۹۶ پس از
دستگیری (خمینی) از ساعت پنج صبح روز ۴۲/۳/۱۵ از تمام محلات
و کوچه های شهر، جمعیت کثیری در حدود چهل هزار نفر از زن و
مرد و بچه که اکثراً به اسلحه سرد مسلح بوده به طرف صحن مطهر و
خیابان های اطراف آن به حالت اجتماع به حرکت درآمده و با شعارهای
«وامحمداء، آقارا دستگیر کردند»، «یا مرگ یا خمینی» هر آن به شدت
تظاهرات و فعالیت آنان افزوده می شد. با توجه به مفاد گزارشات مراتب
زیر به عرض می رسد:

۱. پرونده امام در ساواک قم، برگ شماره ۱۲۴.

۲. پرونده امام در شهربانی قم، برگ شماره ۱۹.

۱. بلافاصله با توجه به احساسات تحریک شده مردم و قلت نیرو، پاس‌ها را جمع‌آوری و به کلانتری‌ها دستور آماده‌باش و در صورت لزوم دفاع داده شد.

۲. از سرکار سرهنگ (۲) خواجه‌نوری فرمانده گروهان مستقر در شهربانی و همچنین هنگ ژاندارمری استمداد شد که پاسخ دادند بدون دستور از مرکز و فرماندهی نمی‌توانند اقدامی بنمایند.

۳. ساعت ۵/۳۰ مراتب تلفناً به اداره اطلاعات اعلام و تقاضای نیرو و صدور دستور به فرماندهی واحد نظامی و ژاندارمری گردید.

۴. هنوز ساعت از ۸/۱۵ تجاوز نمی‌کرد که صدای شلیک گلوله‌های پی‌درپی در حدود کلانتری (۳) در شهر و محوطه شهربانی طنین‌انداز گردید و بلافاصله از کلانتری (۳) تلفناً اطلاع داده شد: پس از عبور گردان سرباز از جلوی کلانتری و حرکت به طرف شهربانی جمعیت متراکم در آنجا که به طرف شرکت نفت می‌رفتند، عده‌ای به گردان و عده‌ای با چوب و چماق و چاقو به کلانتری حمله‌ور گردیده تا روی پله‌های داخل کلانتری به جلو آمده سایبان و تابلوی کلانتری و تعدادی دوچرخه مأمورین را خرد^۱ و با سنگ به مأمورین حمله‌ور، مأمورین برای دفاع و ارباب مهاجمین مبادرت به تیراندازی هوایی نموده و نیز در حین حمله به کلانتری عده‌ای به افراد گردان حمله و عده‌ای از آنان را مجروح و آمبولانس نظامی که در آخر ستون حرکت می‌نموده آتش زده و به کامیون‌های حامل نیرو، با چوب و سنگ و غیره آسیب رسانده قصد حمله و خلع سلاح سربازان گردان را داشته و با اخطار مکرر فرمانده گردان (سرکار سروان بهروزی) از عمل خود دست برداشته که فرمانده گردان نیز قبل از رسیدن به شهربانی در خیابان شاه برای تفرقه جمعیت و نجات خودروها و سربازان، مبادرت به تیراندازی کرده که در نتیجه عده‌ای مجروح و مقتول می‌گردند.

۵. چون کلانتری (۳) تقاضای کمک فوری داشت از طرفی بیم آن می‌رفت که جمعیت به دوایر دولتی حمله‌ور گردند، لذا سروان جوادی (سرکلانتری) به اتفاق عده‌ای پاسبان مسلح برای مراقبت ادارات دولتی

۱. در اصل: خورد.





و سروان هوشمند به اتفاق سی نفر سرباز برای کمک به کلانتری (۳) و خارج نمودن کلانتری از مخاطره، اعزام؛ در خیابان ایستگاه حدود چهارراه شاه غفلتاً سروان جوادی و مأمورین مورد حمله قسمتی از جمعیت قرار گرفته در نتیجه سروان جوادی و عده‌ای از مأمورین مجروح ناچار با تیراندازی هوایی جمعیت را متفرق و به مراقبت محل‌های ذکر شده پرداخته‌اند.

۶. در همین موقع عده‌ای که از ده هزار نفر متجاوز بوده به طرف شهربانی در حرکت و با دادن شعارها و تحریک احساسات مردم به قتل و کشتار مأمورین پلیس و تخریب و آتش زدن عمارت شهربانی که بدون درب می‌باشد، تا حدود پنجاه متری شهربانی نزدیک شده با آرایشی که قبلاً با تعداد قلیلی سرباز و پاسبان گرفته شده بود پس از اخطار با بلندگو به مردم و نصایح لازم چون متفرق نشده و به طرف سربازان و پلیس با قمه و قداره و چاقو و خنجر و چوب و سایر آلات برنده و حلب‌های نفت و بنزین قصد حمله داشته، در نتیجه ستوان یکم دبیرزاده افسر اعزامی از مرکز از ناحیه لب مجروح و بلندگوی دستی آسیب دیده ناچاراً با شلیک چند تیر هوایی از طرف ستوان دبیرزاده و سرهنگ (۲) خواجه نوری مردم عقب‌نشینی و تا حدود چهارراه آذر رانده شدند. در همین موقع گردان اعزامی علی‌آباد پس از زد و خورد و شکستن محاصره مردم در چهارراه شاه به طرف شهربانی حرکت، مهاجمین با دیدن گردان اعزامی متفرق و به طرف صحن حرکت نمودند.

۷. در صحن که از صبح جمعیت انبوهی مجتمع و در مسجد اعظم نیز در حدود چهار هزار نفر زن با داشتن قمه و قداره در زیر چادرها برای رساندن به آشوب‌گران آماده بودند. بدو ابوالقاسم و کیلی و عده‌ای دیگر... با سخنرانی خود مردم را تحریک... سپس سید مصطفی خمینی پسر خمینی صحبت و با آمدن آیات و اقداماتی که به عمل آمد، مردم به تدریج از صحن متفرق شدند.

۸. از ساعت ۱۰ که ژاندارمری نیز نیروی کمکی خود را اعزام داشت و با تقویت نیروی کلانتری‌ها و اقدامات سریع و عاجلی که به عمل آمد و با استقرار سربازان و پلیس و ژاندارم در نقاط حساس و مانور جت‌های

جنگنده که در ارتفاع کم پرواز می کردند و باعث ارباب مجتعمین و مردم شده بودند به تدریج بدون زد و خورد و درگیری، مردم متفرق و آرامش نسبی برقرار گردید.

۹. در مورد مجروحین و مقتولین فوراً به وسیله آمبولانس و ماشین های دیگر اقدام سریع معمول و مجروحین به بیمارستان نکویی و فاطمی اعزام و طبق دستور صادره در مورد مقتولین با تشریفات قانونی اقدام لازم معمول گردید...^۱

رئیس شهربانی قم - سرهنگ پرتو^۲

رئیس شهربانی قم طی تلگرافی درخواست می کند:

فرماندهی هنگ ژاندارمری شهرستان قم

خواهشمند است دستور فرمایید هر چه زودتر دسته گاز اشک آور آن هنگ را به منظور کمک به کلانتری (۳) اعزام فرمایند. زیرا کلانتری در محاصره می باشد.

رئیس شهربانی قم - سرهنگ پرتو

در گزارش دیگر شهربانی آمده است:

ساعت ۸/۱۵ صبح روز ۴۲/۳/۱۵ در حالی که... کامیون های حامل سرباز از خیابان تهران به طرف شهر حرکت می کردند، ابتدا جمعیت انبوهی که در خیابان ها و کوچه های اطراف خیابان تهران تجمع داشتند با چوب و سنگ به طرف ماشین های سربازان حمله و یک آمبولانس ارتشی که در عقب کامیون ها در حرکت بود در بین جمعیت گرفتار؛ طبق اطلاع، سرنشینان آمبولانس توسط جمعیت مجروح و آمبولانس مزبور را آتش زدند... و طبق اطلاع در چهارراه شاه و در نزدیکی پل حضرتی بین سربازان و مردم تصادفی رخ داده که منتهی به تیراندازی توسط سربازان شده است.

در حمله ای که توسط جمعیت به کلانتری شد... چند نفر از مأمورین کلانتری به اسامی: ۱. سرپاسبان شکوهی، ۲. سرپاسبان (۱) محمدقاسم جلالی، ۳. پاسبان شماره (۶) آبیاری، ۴. پاسبان رجیبی، ۵. سرپاسبان (۳)

۱. «اقدام لازم در مورد مقتولین» ۱۵ خرداد «با تشریفات قانونی» ظاهر اشاره به دستوری دارد که برای سر به نیست کردن جسد های پاک شهدای آن روز صادر شده بود.
۲. پرونده امام در شهربانی قم.





ظهرایی، به وسیله سنگ و چوب از طرف جمعیت مضروب و نیز پاسبان شماره (۱۰۹) به نام بی طرف با چاقو مجروح گردید...

ساعت ۱۲ ظهر سرکار ستوان یکم منظوری و سرکار ستوان دوم خیرخواه با جمعیت ۳۰ نفر سرباز جهت برقراری نظم و جلوگیری از حملات احتمالی به کلانتری (۳) وارد و اکنون در کلانتری آماده می‌باشند...

کلانتری بخش (۳) - سروان جهانگیری ریاست شعبه اطلاعات
۳/۱۹۲ - ۴۲/۳/۱۵

از صبح روز جاری شهر متشنج و چون حدود کلانتری (۳) صدای شلیک تیر به گوش می‌رسید، به فرموده برای روشن شدن قضیه و تقویت کلانتری (۳) به طرف [آن] حرکت و سربازان مشغول تیراندازی بودند. چون جمعیت به طرف کامیون هجوم آوردند، مأمورین برای ارباب مردم مهاجم ۱۳ تیر شلیک هوایی کرده و این جانب مجروح که شرح جریان، صورت مجلس، یک نسخه آن به پیوست ارسال که به عرض برسد.

سروان جوادی

صورت مجلس:

ساعت ۸/۱۵ روز ۴۲/۳/۱۵ که کامیون‌های حامل سرباز از خیابان تهران به طرف شهر در حرکت بودند جمعیت کثیری به طرف ماشین‌های ارتشی حمله و با سنگ و چوب به آنها پرتاب و سپس با شعارهایی به نفع خمینی به طرف کلانتری حمله... که مأمورین ناچاراً مشغول تیراندازی هوایی شدند و در نتیجه سرپاسبان حسین صمدی هفت تیر، سرپاسبان بیگدلی ده تیر و پاسبان شماره (۶۰) محمد آبیار پنج تیر و عباسعلی پاسبان (۱۵۰) دو تیر و حسین گودرزی شش تیر و رحمت‌الله بی طرف (۱۰۹) پنج تیر و سرپاسبان اهل علی پنج تیر و سرپاسبان تهرانی سه تیر و حسین ابراهیمی پنج تیر که جمعاً چهل و هشت تیر فشنگ برنو تیراندازی شده و اشخاصی که به طرف کلانتری حمله ور شده بودند در حدود چهار هزار نفر بودند... و به علت قلت مأمور در داخل کلانتری مواجهه و مقابله با این جمعیت کثیر امکان نداشت. فقط موفق به حفظ کلانتری و حفظ جان مأمورین و سلاح‌ها و اثاث

دولت و جلوگیری از خونریزی در محوطه به عمل آمد... و با حضور
مأمورین کمکی مهاجمین متواری شدند...
تلگرام زیر از شهربانی کل کشور به قم مخابره شد:
شهربانی قم ۲۴۷۶/۵/۲۳۳۲۰-۴۲/۳/۱۵- خیلی خیلی فوری
... موضوع تیراندازی در کلانتری بخش (۳) و آخرین وضعیت قم را فوراً
رمزاً گزارش دهید.
ضمناً سرکار و مأمورین مربوطه متفرق نشوید. در آنجا باشید تا تیمسار
مبصر به قم برسد.

سرهنگ صمدیان پور

شهربانی تهران نیز در گزارش خود از قم خبر داده است:

... اطلاع رسیده از قم حاکی است یک جیب نظامی آتش زده شده،
خسارت کم است، مجروح چند نفر و حال آنها خوب است. مقتول ۶ نفر
و مجروح ۲۴ نفر، تیراندازی قطع شده، محاصره کلانتری شکسته شده،
پسر خمینی برای جمعیت سخنرانی کرده و گفته مردم متفرق شوند.
خبر دستگیری امام، تلفنی به مقامات برجسته روحانی، ملی و سیاسی پایتخت رسید.
ساعتی بعد، این خبر در سراسر تهران مثل بمب صدا کرد. توده‌های مسلمان با شنیدن
این خبر از خانه‌ها بیرون ریختند، مغازه‌ها و دکاکین تعطیل شد. شور و غلغله همراه با
قهر و خشم و غضب سراسر پایتخت را فراگرفت. دانشجویان کلاس‌ها را ترک گفته در
محوطه دانشگاه به تظاهرات پرداختند. واکنش بازداشت امام خمینی در تهران قبل
از هر جای دیگر در دانشگاه بروز کرد. دانشجویان با تظاهرات دسته‌جمعی و شعارهای
انقلابی از دانشگاه خارج شدند و دامنه تظاهرات را به خیابان‌ها کشانیدند و با فریاد:
«خمینی را آزاد کنید» شور و احساسات توده‌هایی را که هنوز از دستگیری امام بی‌خبر
بودند برانگیختند. پلیس دانشگاه را تعطیل کرد و با تانک و توپ در محاصره قرار داد.
بارفروشان تهران به محض دریافت خبر دستگیری امام دست از کار کشیده با چوب
و آهن و کرد و... دست به تظاهرات خشم‌آگین زدند. رئیس پلیس تهران طی تماسی
تلفنی با طیب، درخواست کرد که میدانی‌ها را از تظاهرات ضد دولتی باز دارد، لیکن
شادروان طیب پاسخ داد که تظاهرات جنبه مذهبی دارد و برای او ممکن نیست که بتواند
مردمی را که روی مبانی مذهبی به پا خاسته‌اند از حرکت باز دارد.
دامنه تظاهرات گسترش یافت، تظاهرات کنندگان خشمگین با هدف سرنگونی رژیم





شاه به پاخاسته بودند و در راه تسخیر مراکز دولتی و تصرف اداره رادیو و تسلیحات ارتش با همه نیرو تلاش می کردند. رژیم شاه که پایه های لرزان سلطنت خود را در خطر می دید، به خونریزی وحشتناکی دست زد و از کشته ها پشته ساخت. میزان قساوت و وحشی گری به پایه ای بود که برخی از درجه داران و سربازانی که برای سرکوب خونین مردم به خیابان ها آورده شده بودند، در بازگشت به پادگان اشک می ریختند.

مأموران شهربانی و ساواک رویدادهای روز ۱۵ خرداد ۴۲ در تهران را لحظه به لحظه گزارش کرده اند. برخی از آن گزارش ها که از اهمیت بیشتری برخوردار است به ترتیب ساعت گزارش در پی آمده است:

... ساعت ۹:۴۵

منبع خبر: سرگرد صادقی

شرح خبر: مأمورین در یک زد و خورد شدیدی روبه رو شده، کلانتر بازار مجروح شده، رئیس پلیس دستور تیراندازی داده...

... ساعت ۱۰:۱۵

... جمعیت فوق العاده زیاد شده، از سه راه سیروس تا جلوی وزارت کشور مردم اجتماع دارند. در حدود صد پلیس زخمی شده و چند ماشین پلیس را شکستند. تعداد پلیس خیلی کم است و قادر به حفظ نظم منطقه نیست.

... ساعت ۱۰:۳۵

منبع خبر: سرگرد صادقی

شرح خبر: سربازها عقب نشینی نمودند، مردم به ماشین های آتش نشانی حمله نمودند، سرگرد صادقی خطاب به اداره پلیس می گوید: کمک، کمک، کمک کنید...

... ساعت ۱۰:۴۰

منبع خبر: سرگرد صادقی

شرح خبر: سربازها عقب نشینی کردند، پاسبان ها به تبعیت از آنها عقب نشینی می نمایند. قبل از ورود سربازها روحیه مأمورین پلیس بهتر

بود. کمک کنید، کمک. حمله خیلی شدید است مأمورین عقب‌نشینی می‌کنند...

... ساعت ۱۰:۴۵

منبع خبر: در بی‌سیم

شرح خبر: حمله خیلی شدید است. مأمورین به سرعت عقب‌نشینی می‌کنند. اوضاع خیلی وخیم است. جلو رادیو خیلی شلوغ است. دستوراتیراندازی داده شد...

... ساعت ۱۰:۱۱

منبع خبر: ...

شرح خبر: به وزارت صنایع و معادن حمله شد. وزیر وزارت صنایع و معادن تمنای کمک می‌نماید.

... تاریخ و ساعت ابلاغ دستور ۱۱/۱۵ روز ۴۲/۳/۱۵

صادر کننده دستور: سرگرد سجادی از ستاد پلیس تهران

در این ساعت (۱۱:۵۰) سعدی شمالی و جنوبی به وسیله سربازان اشغال و مغازه‌ها عموماً بسته‌اند. در خیابان سعدی و اسلامبول مأمورین انتظامی بدون توجه به نوع اجتماع و یار هگذران، بدون جهت راه را بر عابرین سد کرده و عده‌ای زن و بچه و کاسب را که به طرف منازل خود می‌روند مضروب می‌نمایند؛^۱ در نتیجه جمعیت رو به تزاید است و عده‌ای زن و بچه مصدوم شده‌اند... در دانشگاه ساعت ۱۱:۵۵ جلوی هنرهای زیبا عده‌ای در حدود یکصد نفر از دانشجویان اجتماع کرده‌اند... و ضمناً تابلوی بزرگی که بر روی آن نوشته شده است: «خمینی رادیشب گرفته‌اند» جلوی درب دانشگاه نصب شده است...

۱. شاه در نطق خود در روز ۱۷ خرداد ۱۳۴۲ در همدان اظهار داشت: «... ارتجاع سیاه به زن‌های بی‌دفاع در خیابان‌های تهران حمله کرد...» از گزارش بالا به دست می‌آید که این سربازان خون‌آشام «گارد جاوید» بوده‌اند که حتی به زنان و کودکان بی‌دفاع نیز رحم نکردند و «عده‌ای زن و بچه و کاسب» را که نقشی در تظاهرات نداشتند و «به طرف منازل خود می‌رفتند» مضروب و مصدوم کردند و شماری از آنان را به شهادت رسانیدند.





یک کامیون افراد نظامی در چهارراه مخبرالدوله و خیابان اسلامبول و نادری مستقر شده‌اند...

یک دسته ۱۵۰ نفری از دانشجویان دانشگاه، به حالت اجتماع مشغول دور زدن در داخل خیابان‌های دانشگاه هستند و سعی دارند عده بیشتری را به دور خود جمع نموده و سپس به طرف بازار حرکت کنند... در ساعت ۱۱:۴۵ عده‌ای در حدود چهارصد نفر از کارگران معادن اطراف کارخانه سیمان، دست از کار کشیده و آماده حرکت و تظاهر هستند و مأمور گزارش می‌دهد که این عده آماده حمله به طرف کارخانه و اطراف آن می‌باشند...

عده‌ای قریب پانصد نفر از طرف بازار به طرف میدان اعدام و میدان شاهپور در حرکت هستند و شعار «مرده باد شاه» می‌دهند و رئیس کلانتری ۸ با مسلسل دستی به طرف جمعیت تیراندازی می‌کند. عده زیادی برای اشغال اداره رادیو در میدان ارک به ساختمان رادیو حمله نمودند و از طرف ژاندارم‌ها به آنها تیراندازی می‌شود.

در میدان گمرک و خیابان گلوبندک عده‌ای در حدود ۲۰۰ نفر با حمل پرچم ملصق به عکس آیت‌الله خمینی و تظاهر به نفع وی در حرکت هستند و عده آنها مرتب افزایش می‌یابد. دکاکین مشغول بستن می‌باشند و یک جنازه نیز روی دست دارند.

دسته‌ای مجهز با چوب و چاقو به تعداد یک هزار نفر، پس از آنکه نظم توپخانه را به هم زده و با تیراندازی پلیس مواجه شدند، در حالی که پارچه آغشته به خونی را در پیشاپیش خود حرکت می‌دهند وارد لاله‌زار گردیده، برای این عده از طبقات فوقانی ساختمان‌های لاله‌زار چوب و تخته ریخته می‌شود. در اینجا از قوای پلیس خبری نیست.

یک عده ۵۰۰ نفری در حالی که جنازه‌ای را به دوش دارند و لباس‌های آنان خونی و چوب‌هایی در دست آنها دیده می‌شود، از سمت بازارچه قنات به سمت میدان اعدام و بازار در حرکتند...

... در این ساعت (۱۲:۰۵) تظاهرات کنندگان، اداره تسلیحات ارتش واقع در جنب راهنمایی را آتش زدند. سطح آتش و دود محوطه میدان سپه را پوشانیده است...

... تاریخ و ساعت وصول خبر: روز ۴۲/۳/۱۵ - ساعت ۱۲:۱۵
وسیله بی سیم ارتش اطلاع داده شد که سالن محمدرضا پهلوی را هم آتش زده‌اند.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: روز ۴۲/۳/۱۵ - ساعت ۱:۳۵
دانشجویان دانشکده کشاورزی داخل دانشکده اجتماع کرده و شعار «توهین به خمینی توهین به ملت است» می‌دهند...
... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۱۶:۵ روز ۴۲/۳/۱۵
منبع خبر: تهران جنوبی کلانتری ۱۸
شرح خبر: عده‌ای حدود دو تا سه هزار نفر به کارخانه پپسی کولا حمله، شیشه‌ها را شکسته، چند تلویزیون برده‌اند. تا این ساعت کمکی نرسیده است. خود کلانتری نیز احتیاج به کمک دارد. وضع خیابان‌های بخش غیر عادی است.

در این ساعت (۱۶:۲۰) اول خیابان ارامنه بین مأمورین انتظامی و تظاهرات کنندگان تصادم و دو نفر پسر بچه مورد اصابت گلوله واقع، که با تاکسی آنها را بردند.

در این ساعت (شانزده) عده‌ای قریب یک هزار نفر از کسبه خیابان آذربایجان و کارون و قصرالدشت پس از خراب کردن کارخانه پپسی کولا، چوب به دست به طرف قصرالدشت جنوبی حرکت و شعار می‌دهند: «مرگ بر شاه و زنده باد خمینی»

حمله کنندگان به کارخانه پپسی کولا و ضمایم آن در قسمت مونتاژ تلویزیون‌های آر-سی - آ خساراتی وارد و چند دستگاه تلویزیون به غارت برده‌اند...





... ساعت ۱۷:۱۵

در این ساعت جمعی در حدود سی - چهل نفر از دانشجویان دانشگاه ضمن تظاهراتی اقدام به قطع تلفن‌های دانشگاه نموده و آنها شعاری به این مضمون می‌دهند:

«تا عزل شاه خائن نهضت ادامه دارد».

تعدادی از مهاجمین به اداره مجله تهران مصور حمله نموده و تعدادی از در و پنجره آن را شکسته ولی کارگران چاپخانه این مجله و کارکنان آن به مقابل مهاجمین آمده و با نصایح، آنها را از ادامه خرابکاری باز داشتند...

... ساعت ۱۷:۲۰

در این ساعت یک دسته از سربازان در حدود قنات آباد تا میدان خیام اقدام به تفرقه جمعیتی که در این حدود آماده تظاهرات و خرابکاری بودند نموده، در نتیجه تیراندازی یک بچه ۴ ساله و یک بچه ۸ ساله کشته شده و مردم برای اطلاع از وضع کشته‌شدگان هر لحظه از منازل خارج ولی سربازان به شدت دفاع و حمله می‌کنند. همچنین در این نقطه یک جوان دیگر کشته شده است.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۱۷/۳/۴۲ - ۱۷:۱۵

منبع خبر: سرهنگ احترامی

شرح خبر: در حین مانور در خیابان شاه‌رضا جلوه دانشگاه چند نفر مقتول و مصدوم شدند. مجروحین و مصدومین در خیابان افتاده‌اند.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۱۷:۳۰ روز ۴۲/۳/۱۵

منبع خبر: سرکار سرگرد غرائی، کلانتر بخش ۱۴ شرح خبر: طبق اطلاع واصله تعدادی در حدود هشت هزار نفر از تظاهرات‌کنندگان در حالی که چراغ و پرچم در دست دارند به طرف میدان ژاله در حرکت هستند و مأمورین کلانتری در حدود ۱۵ نفر پاسبان و یک کامیون سرباز در محل مستقر می‌باشند. تقاضای کمک فوری دارند.

... ساعت ۱۷:۵۵

در این ساعت مأمورین نظامی به عده‌ای از تظاهرات کنندگان در خیابان ناصر خسرو مقابل عمارت تلگراف تهران اقدام به تیراندازی نموده، در نتیجه دو نفر به قتل رسیدند.

ساعت ۱۵ عده‌ای از خرابکاران در خیابان شاپور، اول آرامنه اقدام به تظاهرات نموده که قوای انتظامی مجبور به تیراندازی شد و در نتیجه دو کودک ۱۱ و ۹ ساله کشته شد و یکی از تظاهرات کنندگان با خون کشته شدگان در کنار مغازه خرازی فروشی طاهری که در محل حادثه می‌باشد نوشت: این خون دو کودک است. از ظهر تا ساعت ۱۵ مجموعاً سه نفر در این قسمت کشته شده‌اند.

ساعت ۱۸ در میدان سپه ۴ عدد تانک و تعدادی جیب حامل بی سیم مستقر و فعلاً در نواحی میدان سپه آرامش برقرار است.

ساعت ۱۸ در حوالی پارک شهر مخصوصاً قسمت شرقی و نزدیک روزنامه/اطلاعات مجموعاً عده‌ای در حدود دو هزار نفر به صورت دستجات پراکنده دیده می‌شوند، ولی از این عده تظاهرات و خودنمایی به چشم نمی‌خورد.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۵

ساعت: ۱۸:۵۰

گوینده: معمار

گیرنده: نادری

وسیله ارتباط: تلفن

موضوع: تظاهرات

در خیابان سیروس دو نفر مجروح شدند...

در خیابان ری ازدحام است و صدای تیراندازی به گوش می‌رسد.

طبق اطلاع خیابان شهباز و خیابان ژاله هنوز شلوغ است تیراندازی شد،

عده‌ای مجروح شدند. تلفن‌ها از بهارستان به پایین قطع شده است...

ضمناً در خیابان شهباز که تظاهرات کنندگان با مأمورین انتظامی در

زد و خورد بودند حدود ۱۴ نفر زخمی مشاهده شده است...





... تاریخ: ۴۲/۳/۱۵

ساعت: ۱۹:۲۰

گوینده: مأمورین ویژه

گیرنده: بخش ۳۱۲

وسیله ارتباط: تلفن

موضوع: تظاهرات تهران

نیم ساعت قبل در اثر اجتماع عده‌ای خرابکاران در خیابان شهباز بین ایستگاه ناصری و دروازه دولا، مأمورین انتظامی اقدام به تیراندازی و ممانعت از اعمال خرابکارانه آنها نمودند... فعلاً آرامش در آن حدود برقرار ولی دستجات پراکنده در سرک‌وچه‌های ممتد به این حدود دیده می‌شوند و تعداد مجموع آنها به ۶۰۰ نفر می‌رسد...

گزارشات مذکور نشان می‌دهد که علی‌رغم دستگیری امام و قطع رابطه او با مردم، چگونه سامان اجتماعی جنبش به شکل خودجوش، هدایت نهضت را به عهده می‌گیرد و مانند یک روح واحد همه خواسته‌های دسته‌ها را به سمت مشخص رهبری می‌کند. امام خمینی (ره) در میان رهبران جنبش‌های اسلامی معاصر شاید تنها رهبری باشد که علی‌رغم عدم حضور فیزیکی بر جسم و جان جامعه نفوذ داشته و از طریق این نفوذ قادر بود گسترده‌ترین حرکت‌های سیاسی - اجتماعی را هدایت و رهبری کند. رژیم سلطنتی با وجودی که تصور می‌کرد، با دور کردن امام از صحنه سیاسی و اجتماعی ایران و حذف فیزیکی او از جامعه، مشکل نهضت امام خمینی را حل خواهد کرد تا آخرین لحظه نیز متوجه نگرددید که چنین روشی بستر مناسب‌تری برای امام بود تا از آن، جهت به حرکت در آوردن مردم استفاده کند. امام در طول جنبش پانزده خرداد و انقلاب اسلامی بحرانی‌ترین دوران جنبش را از درون زندان و یا در تبعید هدایت و رهبری کرد و این رهبری یک رهبری منحصر به فرد در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام می‌باشد. وقتی امام در پانزده خرداد سال ۴۲ دستگیر شد، نه سازمان سیاسی مشخص بود که حرکت‌های مردم را در بیرون سازماندهی کند و نه رهبری جایگزینی وجود داشت که در غیاب رهبر اصلی، هدایت مردم را به عهده بگیرد. اما مردم به خوبی می‌دانستند که باید چه کار کنند و چه نقاط حساسی را مورد هدف قرار دهند و چگونه با رژیم برخورد نمایند. عده‌ای به سمت کاخ مرمر، مرکز فرماندهی رژیم مشروطه سلطنتی، عده‌ای برای

تصرف رادیو، بلندگوی دروغ پراکنی‌های رژیم شاه و عده‌ای هم به سوی اداره تسلیحات ارتش، مرکز تهیه سلاح‌های کشتار جمعی شاه و عده‌ای هم سازمان فرهنگی ایران و امریکا مرکز پشتیبانی و تغذیه نظام‌های دیکتاتوری و قلب نگه دارنده نظام مشروطه سلطنتی را مورد حمله قرار دادند. هر تحلیل‌گری با دیدن این حرکت‌ها تصور خواهد کرد که حرکت مردم، یک حرکت سازمان‌یافته آهنگین و از پیش برنامه‌ریزی شده با رهبری مقتدری است که در قلب حرکت، حضور فیزیکی داشته و از نزدیک، وقایع و رخدادها و نحوه عمل مردم را هدایت می‌کند، اما آنهایی که در دل نهضت بودند می‌دانستند که این رابطه و سازماندهی‌های مربوط به آن مبتنی بر حضور فیزیکی رهبری در میان مردم نیست، یک پیوند قلبی مبتنی بر اعتقادات و آرمان‌هاست که فقط شاخصه مرجعیت شیعه و در رأس آن رهبر فرهمندی چون امام خمینی است.

در چنین پیوندی خواسته امام و امت یکی می‌شد، بدون اینکه نیازی به حضور فیزیکی یا ابلاغ رسمی آن وجود داشته باشد. مردم از قبل مراکز حساس و پایه‌های دوام دیکتاتوری را می‌شناختند و می‌دانستند که در یک جنبش اجتماعی که مبتنی بر آرمان‌های دینی و رهبری مذهبی است، چه اهدافی را باید تعقیب نمایند. در طول نهضت امام خمینی از ۱۵ خرداد سال ۴۲ تا انقلاب اسلامی، این پیوند هیچ‌گاه میان امام و امت قطع نگردید و این چیزی بود که نظام استبدادی شاه و شبه‌روشنفکران وابسته به آن، از درک آن عاجز بودند.

در جنبش اسلامی امام خمینی مردم، هر مکان، سازمان و رابطه‌ای را که احساس می‌کردند به نوعی نشان از نمودهای ظاهری رژیم دیکتاتوری است، مورد تهاجم قرار می‌دادند، حتی کارخانه پرسی کولا که در آن دوران معروف بود که متعلق به فرقه ضاله و وابسته بهاییه و یهودی‌هاست و باشگاه ورزشی شعبان بی‌مخ که رگ و ریشه‌های آن در خدمت به دیکتاتوری قرار داشت و از آن به عنوان وسیله‌ای برای باج‌گیری، قداره‌بندی و اذیت و آزار مردم استفاده می‌شد نیز در این حملات در امان نماند. گویی به مردم الهام می‌شد که به کجاها باید حمله کرد و ضربات را به کدام قسمت ارکان رژیم وارد ساخت. شاید یکی از دلایل کشتار عظیم ۱۵ خرداد سال ۴۲ و پشتیبانی‌های رسانه‌ای و خبر پراکنی‌های بعدی آن مبتنی بر همین مسئله بود! رژیم احساس کرد مردم دقیقاً اهدافی را مورد حمله قرار می‌دهند که بقای نظام دیکتاتوری، وابسته به بقای آن اهداف بود. کاخ سلطنتی، رادیو، تسلیحات، ساختمان‌های دولتی (عوامل اصلی بقای بورکراس رژیم شاهنشاهی)، پلیس و ارتش (ابزار سرکوب رژیم)، سازمان فرهنگی ایران و امریکا،





مراکز وابسته به فرقه‌های ضاله و منحرف (نشان حضور اسرائیل و انگلیس در ایران) و خلاصه هر چیزی که رژیم دیکتاتوری پهلوی را روی پا نگه داشته بود. همه این اهداف خطوط مقدماتی جبهه جنگی بود که نظام دیکتاتوری شاه در مقابل مردم گشوده و امام در صحبت‌های خود، همه این خطوط را مورد تهاجم قرار داده بود. بنابراین نهضت پانزده خرداد در این مرحله، از قبل ساماندهی شده بود و دستگیری امام و حذف فیزیکی او از صحنه مبارزات نه تنها تأثیری در حرکت مردم نداشت بلکه بهانه‌ای برای ساماندهی جدی‌تر در مقابل نظام دیکتاتوری می‌شد و این دقیقاً همان اشتباهی بود که هر رهبر هوشمندی آرزو داشت، رقیب او مرتکب شود. رژیم شاه با دستگیری امام خمینی در پانزده خرداد این اشتباه فاحش را مرتکب شد و با دستگیری‌های سراسری روحانیت، کشتار و وحشیانه مردم و اعلام حکومت نظامی در تهران و بسیاری از شهرستان‌ها به طور جاهلانه‌ای در سطح گسترده‌ای با مراکز دینی، مرجعیت و مردم درگیر شد.

اعلام حکومت نظامی نه تنها وحشتی در دل مردم ایجاد نکرد، بلکه نهضت را وارد مرحله جدیدی نمود. وقتی نصیری جلاد معروف ساواک به عنوان فرماندار نظامی تهران اطلاعیه‌ای صادر و در آن رفت و آمد در پایتخت و حومه را از ساعت ۸ بعد از ظهر ممنوع کرد مردم به این اطلاعیه خندیدند. با وجودی که اطلاعیه بسیار تهدیدآمیز... و در آن گفته شده بود:

برای حفظ امنیت و آسایش مردم تهران و تأمین آزادی کسب و کار ساکنان پایتخت، هیئت وزیران در جلسه مورخه پانزدهم خرداد ماه تصویب نمودند که در تهران و حومه مقررات حکومت نظامی برای مدت پنجاه روز برقرار گردد. وزارت جنگ مأمور اجرای مفاد این تصویب نامه می‌باشد...^۱

در پی تصویب حکومت نظامی از جانب دولت و اعلام آن از رسانه‌های گروهی فرمانداری نظامی طی اعلامیه‌ای در سه ماده اعلام کرد:

چون به موجب تصویب نامه هیئت دولت به منظور حفظ آرامش و امنیت عمومی و رفاه اهالی محترم پایتخت و حومه و جلوگیری از اعمال سوء و اخلاص مفسده‌جو، مقرر است حکومت نظامی در تهران و حومه برقرار گردد و متن تصویب نامه دولت نیز از رادیو به استحضار

عامه رسیده است، اینک لازم می‌داند موارد زیر را جهت اطلاع اهالی محترم پایتخت اعلام و انتظار دارد که در حفظ نظم و آرامش با مأمورین انتظامی نهایت درجه همکاری فرمایند:

۱. از این تاریخ تا صدور اعلامیه ثانوی از ساعت ۲۲ تا ۵ صبح عبور و مرور در شهر و حومه مطلقاً ممنوع است و چنانچه به دستور توقف مأمورین انتظامی توجه نمایند به سوی آنان تیراندازی خواهد شد.

۲. اجتماعات به کلی قدغن است و افراد و اشخاص حق توقف و اجتماع در معابر را نداشته و...

۳. افرادی که شغل و کار آنها ایجاب می‌کند هنگام شب از خانه خارج شوند از قبیل اطباء، داروسازان و غیره باید اجازه مخصوص از فرمانداری نظامی تحصیل نمایند...

فرمانداری نظامی تهران و حومه - سپهبد نصیری^۱

اما این تهدیدها و تدارکات نظامی برای اجرای آنها به جایی نرسید و با طلوع صبح هزاران تن از مردم مسلمان و از جان گذشته تهران به پشتیبانی از امام و نهضت او به خیابان‌ها ریختند و با فریاد «یا مرگ یا خمینی» به استقبال ارتش شاه و ماشین‌های جنگی او رفتند و شعار مرگ بر شاه مسلمان کش، مرگ بر دیکتاتور خونخوار فضای پایتخت و حومه را پر کرد و بدین سان حماسه ۱۵ خرداد سال ۴۲ به تاریخ تبدیل شد. تاریخی که بر تارک تحولات سیاسی - اجتماعی دوران اخیر ایران و جهان اسلام درخشید.

گزارش‌های لحظه به لحظه شهربانی و ساواک نشان می‌دهد که چگونه حماسه پانزده خرداد به عنوان یک رخداد از هزاران رخداد این کشور تبدیل به تاریخ شد و با خود فصل جدیدی از دگرگونی‌های اجتماعی ایران را در راه آزادی، استقلال و تأسیس حکومت مبتنی بر آرمان‌ها و اعتقادات پایه‌ریزی کرد:

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۸:۳۵ روز ۴۲/۳/۱۶

منبع خبر: آقای احدی، ساواک تهران، شماره ۳

شرح خبر: قریب دویست نفر از دانشجویان دانشگاه مقابل دانشکده پزشکی تجمع کردند و در مورد اقدامات دولت و مقامات عالی‌رتبه صحبت می‌نمایند و شعارهای مخالف می‌دهند. جمعیت آنها تدریجاً روبه تزايد است.

۱. خوانندگان محترم برای اطلاع دقیق‌تر از گزارش‌ها و اطلاعیه‌های رژیم شاه در این مورد رک: سید حمید روحانی، تاریخ نهضت/ امام خمینی، جلد اول.





... ساعت ۸:۴۵ - ۴۲/۳/۱۶

تعدادی جمعیت در بازار شعار پارچه‌ای همراه داشته که یک طرف آن فارسی و طرف دیگر آن لاتین نوشته شده، لیکن متن آن تاکنون معلوم نگردیده است.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۸:۴۶ روز ۴۲/۳/۱۶

... دانشجویان اخلاک‌گر، دانشکده‌های حقوق و فنی و پزشکی را تعطیل نمودند... «تامرگ شاه خائن، نهضت ادامه دارد» متن شعاری باشد.

... تاریخ: ۴۲/۳/۱۶

ساعت: ۸:۵۰

گوینده: افرشته

گیرنده: نادری

وسیله ارتباط: تلفن

موضوع: اجتماع در جلوی بازار

در داخل بازار تجمع زیادی وجود دارد. در خیابان بوذرجمهری، سبزه‌میدان، جلوی وزارت کشور نیز اجتماع مردم زیاد است. مأمورین انتظامی به قدر کافی وجود ندارد. تمام دکاکین مناطق فوق بسته است.

... تاریخ: ۴۲/۳/۱۶

ساعت: ۹:۱۵

گوینده: افرشته

گیرنده: شیخان

در جلوی بازار عده زیادی اجتماع نموده و با چوب و چماق مجهز می‌باشند و فقط... عده کمی پاسبان وجود دارد و از سرباز خبری نیست. اوضاع باز خوب نیست و اجتماع کنندگان تصمیم دارند مانند روز قبل شروع به تظاهرات نمایند.

... تاریخ: ۴۲/۳/۱۶

ساعت: ۹:۲۵

گوینده: ...

گیرنده: نادری

...

در جلوی بازار اجتماع خیلی زیاد است. پارک شهر مجدداً شلوغ شد. در جلوی بوذرجمهری تیراندازی شروع گردید. به ساواک تهران اطلاع داده شد.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۴۲/۳/۱۶ - ۹:۳۰

منبع خبر: ساواک تهران

شرح خبر: دانشجویانی که به داخل دانشگاه رفته بودند در مقابل دانشکده علوم، اجتماع و دانشجو هاشم سلطانی برای آنها سخنرانی و شعار می‌دهند: «تا مرگ شاه خائن، نهضت ادامه دارد» «مرگ بر دیکتاتورها»

در همین ساعت، بیست نفر از طرف درب جنوبی به مقابل دانشکده علوم آمده و گفتند پلیس وارد شد. مجتمعین بلافاصله از درب‌های دانشگاه متواری شدند.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۴۲/۳/۱۶ روز ۹:۳۵

منبع خبر: آقای احدی از ساواک تهران، شماره ۱۳

شرح خبر: در دانشکده پلی تکنیک شعاری به مضمون «مرگ بر این دیکتاتور خون آشام» نصب گردیده و دانشجویان دانشکده مزبور مشغول تحریک سایرین هستند که تظاهراتی انجام و در صورت امکان دبیرستان البرز و دانشکده‌های همجوار خود را به تظاهرات وارد نمایند.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۴۲/۳/۱۶ روز ۹:۳۵

منبع خبر: آقای احدی از ساواک تهران، شماره ۱۴

شرح خبر: در حدود ۱۵۰ نفر دانشجوی در مقابل در مانگاه دانشگاه که





در بالای زمین ورزش واقع شده اجتماع نمودند و دو نفر از دانشجویان بقیه را وادار می نمایند که به کمک مردم مسلمان بشتابند و دانشجویان آمادگی خود را برای راه انداختن آتش سوزی اعلام و در نظر دارند به سمت بازار عزیمت نمایند.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۹:۵۵ روز ۴۲/۳/۱۶

منبع خبر: سرکار سرگرد احمدی

شرح خبر: طبق اطلاع رسیده عده‌ای در حدود دو یا سه هزار نفر به دستجات کوچک و متفرق از خیابان‌های مختلف به طرف پیسی کولا می‌روند. کلانتر با عده ۱۳ نفر پاسبان و ژاندارم به محل می‌رود و تقاضای کمک دارد.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۱۰:۴۵ روز ۴۲/۳/۱۶

منبع خبر: آقای احدی از ساواک تهران، شماره ۱۵

شرح خبر: به طوری که خبر دادند در ساعت ۹ صبح یک نفر در چهارسوق کشته شده و این جنازه فعلاً در مسجد سید عزیزالله است و جمعیت در این مسجد فوق العاده زیاد است و اگر متفرق نشود در بازار شروع به تظاهرات خواهد کرد.

... تاریخ و ساعت وصول خبر: ۱۱:۰۰ روز ۴۲/۳/۱۶

منبع خبر: آقای احدی از ساواک تهران، شماره ۱۶

شرح خبر: به طوری که اطلاع از کرج می‌رسد عده‌ای در حدود صد نفر از دانشجویان دانشکده کشاورزی در محوطه دانشکده به حرکت درآمده و شعارهای زنده‌ای علیه اعلی حضرت همایونی می‌دهند و الساعه به طرف درب خروجی دانشکده در حرکتند.

تاریخ و ساعت وصول خبر: ۱۱:۱۰ روز ۴۲/۳/۱۶

منبع خبر: آقای احدی از ساواک تهران

شرح خبر: پیرو گزارش قبلی جنازه‌ای که از چهارسوق کوچک به

مسجد سید عزیزالله حمل شده مربوط به سید مرتضی مجتهدزاده معمم می باشد که به وسیله چهار گلوله از پشت بام مسجد به او شلیک شده است. فعلاً عبا و عمامه سید مرتضی را به روی او کشیده و جمعیت بتدریج به اطراف او جمع می شوند.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۶ ساعت: ۱۲ روز: پنجشنبه ماه: خرداد

گوینده: مأمورین ویژه

گیرنده: بخش ۳۱۲

وسیله ارتباط: تلفن

موضوع: تیراندازی بدون جهت مأمورین

اطلاع تأیید شده حاکی است (که) بعضی از مأمورین نظامی حتی در خیابان های خلوت شهر هنگام عبور با جیب یا وسیله نقلیه خود، بدون جهت به طرف عابریین پیاده رو شلیک می کنند. در چند نقطه مأمورین ناظر این جریان بوده اند، و همچنین خبر می رسد مأمورین انتظامی حتی در موقعی که تظاهرات خاتمه یافته و عابریین به علت مسدود شدن راهها اجباراً آرام در پیاده روها ایستاده اند، با سرنیزه و شلیک گلوله به طرف آنها حمله می کنند و به این ترتیب عده ای از اطفال و عابریین بدون جهت کشته یا زخمی شده اند.

به طوری که... کسب اطلاع شده مقارن ظهر روز ۴۲/۳/۱۷ در جاده کرج، بین پستی کولا و میدان ۲۴ اسفند، تظاهرات کنندگان یک جیب استیشن پلیس را آتش زدند و راننده آن را نیز کشته اند. ضمناً تظاهرات کنندگان قصد حمله و تصرف کلانتری ۱۲ را داشته اند ولی به وسیله مأمورین کلانتری دفاع شده و بالنتیجه عده ای کشته شده اند.

... تاریخ حادثه: ۴۲/۳/۱۸

ساعت: ۸:۴۵

دانشجویان دانشگاه، دانشکده ها را ترک نموده و عده ای در حدود ۳۰۰ نفر در مقابل دانشکده علوم، اجتماع کرده و شعار می دهند: «درس بر ما حرام است».





... تاریخ حادثه: ۴۲/۳/۱۸ - ساعت ۹:۰۰

دانشکده فنی و حقوق تعطیل شده و دانشجویان خارج شدند و در حال حاضر عده‌ای در حدود هفتاد نفر جلوی دانشکده دندانپزشکی مشغول دادن (این) شعار هستند: «شاه خائن نمی خواهیم» این عده به دانشکده دندانپزشکی وارد شده، آنجا را نیز تعطیل کردند.

... تاریخ: ۴۲/۳/۱۸

ساعت: ۹:۱۰

گوینده: ساواک تهران

گیرنده: اداره یکم عملیات

... شیخ جواد دولابی که در مسجد ولی عصر (واقع) در خیابان دولاب نماز جماعت می‌خواند در روز یازدهم محرم کفن به گردن کرده بود و تقریباً هزار نفر همراه او به خیابان شهباز آمده بودند. فعلاً دستور داده که برای روز هفته شهدا باید ایستادگی کرد و مثل دیگران یا کشته شد، یا زندان.

وضع عمومی بازار متشنج به نظر می‌رسد، بدین ترتیب که مغازه‌ها عموماً بسته و دسته‌های ۳۰ نفری در فاصله‌های متوسط متوقف یا در حرکتند. به نظر می‌رسد که منتظر اجرای برنامه‌ای باشند... عموم دستفروشان بازار با وجودی که دکه‌های خود را بسته‌اند کنار چوب‌های چادر خود آماده ایستاده‌اند...

... تاریخ: ۴۲/۳/۱۸

ساعت: ۹:۲۰

گوینده: ساواک تهران

گیرنده: اداره یکم عملیات

... دانشجویان در نظر دارند به طور دموکراتیک در دانشگاه حرکت نمایند. در حال حاضر شعار دانشجویان: «دانشگاه تعطیل است، تا مرگ شاه خائن، نهضت ادامه دارد» می‌باشد.

تاریخ: ۴۲/۳/۱۸

ساعت: ۱۱:۱۰

دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج در حال حاضر متفرقند. شعار صبح دانشجویان این بوده است:

۱. درود بر روان شهیدای روز چهارشنبه و پنجشنبه، ۲. زنده و پاینده باد خمینی، ۳. تا مرگ شاه خائن، نهضت ادامه دارد.

ساواک تهران

پانزده خرداد، افول تمثال نظام مشروطه سلطنتی و دیکتاتوری در ایران

پانزده خرداد فصل جدیدی از تاریخ تحولات دوران معاصر قلمداد شده است و محققین و مورخین آن را سرآغاز افول تمثال نظام مشروطه سلطنتی و دیکتاتوری در ایران دانسته اند. امام خمینی (ره) از بدو ورود به صحنه مبارزات مردم ایران بر خلاف روش‌های پیشینیان، آرمان سقوط نظام شاهنشاهی و تأسیس حکومت اسلامی در سر داشت. لذا از همان ابتدا و جاهت عقلی و شرعی پایه‌های مشروعیت نظام مشروطه سلطنتی و شبه روشنفکری وابسته به آن را مورد تردید قرار داد. این روش به طور کلی پشتوانه‌های عقلی و مذهبی رژیم پهلوی را متزلزل و راهی برای دفاع عقلی و شرعی از آن باقی نمی گذاشت. نظام شاهنشاهی از زمان ورود امام به صحنه مبارزات سیاسی تا دوران سقوط، دلهره مشروعیت عقلی و شرعی را به عنوان کابوسی در دأور به همراه داشت و همین کابوس نه تنها منطق عقلی رژیم را در برخورد با مرجعیت، دین و آرمان‌های مردم زایل کرد حتی منطق تاریخی این رژیم را در چشم‌انداز دویست ساله اخیر ایران کور کرد. با وجودی که شبه‌روشنفکران وابسته به نظام مشروطه سلطنتی و الیگارش‌ی رژیم پهلوی دیده بودند که در رأس همه نهضت‌های سیاسی-اجتماعی دوران معاصر ایران حضور روحانیت و مرجعیت و نهادهای دینی یک رکن اساسی از ارکان تحولات ایران بود و هیچ دیکتاتوری نتوانسته بود این حضور و رابطه را مورد تردید قرار داده یا تضعیف کند. اما در پانزده خرداد سال ۴۲، رژیم آن خطاهای تاریخی را مرتکب شد و پس از دستگیری امام و کشتارهای عظیم پانزده خرداد... به همان ابزارهای پوسیده و شناخته شده فرار به جلو و دروغ‌پردازی و صحنه‌سازی‌های شبه‌تاریخی توسل جست. در اینجا نمونه‌هایی از این دروغ‌پردازی‌ها که نشان از استیصال نظام شاهنشاهی و فقدان منطق عقلی، تاریخی





و شرعی این رژیم بوده و تا قبل از پانزده خرداد در هاله‌ای از عوام‌فریبی‌های مذهبی و تاریخی قرار داشت، آورده می‌شود:

۱. گنده‌ترین دروغ نظام مشروطه سلطنتی انتساب نهضت امام خمینی (ره) به تحریکات خارجی آن هم به ارتش سرخ شوروی و کمونیست‌های بی‌دین بود. این دروغ تاریخی را شاه در نطق ۱۷ خرداد ۴۲ در همدان اظهار کرد:

... در چهارشنبه پانزدهم خرداد ارتجاع سیاه چه کرد؟ کتابخانه پارک شهر را آتش زد، یعنی هر چه که مطابق علم و سواد و احتیاجات امروز باشد به درد او نمی‌خورد... ارتجاع سیاه به اتوبوس‌هایی که دختران دانش‌آموز را حمل کرد، حمله کرد... ارتجاع سیاه به زن‌های بی‌دفاع در خیابان‌های تهران حمله کرد... ارتجاع سیاه در آن روز لوله‌کشی آب را خراب کرد، برای اینکه لا بد آب تصفیه شده خوردنش حرام است و آب جوی کثیف لا بد آن مباح است...^۱

نیز ادعا کرد که:

... بلوای پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بهترین نمونه اتحاد نامقدس ارتجاع سیاه و قوای مخرب سرخ بود... او باشان یا فریب‌خوردگانی که در این بلوا شرکت داشتند چه کردند؟ در خیابان‌های تهران به زن‌های بی‌دفاع حمله بردند، اتومبیل‌های حامل دختران دانش‌آموز را شکستند، کتابخانه پارک شهر را آتش زدند، ورزشگاه را خراب کردند، مغازه‌های مردم را به تاراج بردند...^۲

چگونه ممکن بود، قیام یک مرجع بزرگ و پیروان او را به جایی منتسب کرد که نه تنها نسبتی با دین نداشت، بلکه عناصر وابسته به آن در داخل کشور و در رأس آن حزب توده و سایر جریان‌های چپ، به طور کلی نهضت امام خمینی و جنبش پانزده خرداد را جنبشی فشری و شورشی کور و فاقد پشتوانه‌های طبقه کارگر تلقی می‌کردند؟ مردمی که به خیابان‌ها ریخته بودند و کشته دادند و می‌دیدند که گروه‌های چپ و راست حتی دفاع از نهضت امام خمینی را در حد یک اعلامیه بر نمی‌تابیدند، از چنین دروغ آشکاری چه برداشت می‌کردند؟ چگونه امکان داشت قیام‌کنندگان مسلمان قم، تهران، ورامین، کاشان، آران، اصفهان، نجف‌آباد، همایون‌شهر، خمین، تبریز، اردبیل،

۱. سخنان شاهنشاه، چاپ بهمن، بی‌تا، ص ۵۰.

۲. محمدرضا پهلوی، انقلاب سفید، چاپ دوم، ص ۴۶.

بابل، ساری، بهشهر، گرگان، رشت، اهواز، دزفول، کرمانشاه، شیراز و ایران^۱ را که در دفاع از حریم مرجعیت شیعه و پاسداری از دین به خیابان‌ها ریخته و کشته داده بودند، وابسته به ارتش سرخ شوروی معرفی کرد و در پانزده خرداد از اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه حرف زد؟

قیام ۱۵ خرداد از دید استکبار جهانی

شاه در کتاب/نقلاب سفید مدعی می‌شود که رهبر ۱۵ خرداد «ارتباط مرموزی با حزب توده داشته و آنها بودند که مقام او را به عرش رسانیدند!» در صورتی که حزب توده و ارباب آن (شوروی) از نهضت اسلامی امام خمینی سخت وحشت کردند و آن را سد بزرگی در مقابل پیشرفت آرمان‌های حزبی دیدند، از این رو، با تمام قوا علیه ۱۵ خرداد دست به تبلیغ زدند و همانند جهانخواران غربی پشت سر شاه قرار گرفته و گفته‌های او را تکرار کرده و تا آنجا که توانستند نهضت اسلامی ملت ایران و رهبر آن را مورد تاخت و تاز قرار دادند!

رادیو مسکو شب ۱۶ خرداد، نهضت ۱۵ خرداد را چنین مورد ارزیابی قرار داد:

عناصر ارتجاعی ایران که از اصلاحات این کشور مخصوصاً اصلاحات ارضی ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه آزادی زنان



۱. خوانندگان برای اطلاع بیشتر از فراگیری جنبش امام خمینی (ره) در ایران رک: تاریخ نهضت امام خمینی، جلد اول.



ایران را باب میل خود نمی‌بینند، امروز در تهران، قم و مشهد تظاهرات خیابانی برپا کردند. آشوب که به وسیله عده‌ای ایجاد شده، به قصد ضدیت با اصلاحاتی بود که از طرف حکومت ایران در دست اجراست و یا برنامه‌های آنها در دست تهیه است. رهبران بلوا و محرکین اصلی آن برخی از رهبران مذهبی بودند و عناصر ارتجاعی، بازار را به آتش کشیدند، چند مغازه را مورد حمله قرار داده و غارت کردند، اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها را در هم شکستند و به چند اداره دولتی نیز حمله ور شدند. رادیو مسکو در این ارزیابی جز تکرار اتهامات رادیو سلطنتی ایران چیزی نمی‌گوید و با به کارگیری کلمه «ارتجاع»، «مخالف اصلاحات» و دیگر الفاظ رسمی و حرفه‌ای جنبش آزادی خواهی ملت مسلمان ایران را مورد تهاجم قرار می‌دهد.

رادیو پیک ایران در همین شب به پیروی از ارباب خود همان گفته‌های رادیو ایران را در مورد امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد تکرار کرد و امام را «مرتجع» می‌خواند! پشتیبانی دولت شوروی از شاه و تاخت و تاز او به نهضت ۱۵ خرداد تنها به سطح رادیو محدود نبود، بلکه روزنامه‌های شوروی نیز یکی پس از دیگری به یاری شاه شتافتند و به سهم خود از حمله و دشنام به قهرمانان ۱۵ خرداد و رهبر آنان خودداری نورزیدند. روزنامه/یوزوستیا ارگان دولت شوروی در ۱۷ خرداد ۴۲ (۷ ژوئن) می‌نویسد:

... در تهران و مشهد و قم و ری به تحریک عده‌ای از روحانیون مرتجع مسلمان آشوب و بلوایی برپا شد.

آشوب طلبان برای مبارزه علیه اصلاحات ارضی دولت از ایام سوگواری مرسوم... استفاده نموده و عده‌ای از جوانان متعصب عقب‌افتاده چند مغازه را و چند اتومبیل را واژگون کردند.

و بالأخره مجله هفتگی عصر جدید - چاپ مسکو - در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۳ (۲۹ خرداد ۱۳۴۲) زیر عنوان «توطئه مرتجعین ایران» می‌نویسد:

هر سال در ماه مقدس محرم یک فستیوال مذهبی به یادبود شهادت امام حسین در ایران اجرا می‌گردد. مؤمنین در حالی که لباس عزا به تن دارند در مساجد تجمع کرده، دسته‌جمعی حرکت می‌نمایند. این مراسم امسال نیز به همان وضع همیشگی انجام گرفت. در پنجم ژوئن که تاریخ رسمی خاتمه این مراسم بود، جمعیت عظیمی در میدان نزدیک بازار تجمع کرده و در حالی که چاقو و چوب به دست گرفته بودند و شعارهای

ضد دولتی می‌دادند به طرف وزارت کشور به حرکت در آمدند. وقتی که جمعیت نزدیک وزارت کشور رسید، پلیس چندین تیر اخطار به سوی هوا شلیک کرد ولی جمعیت متفرق نگردیدند و شروع به خراب کردن ساختمان و شکستن درها و پنجره‌های آن نمودند. لذا پلیس شروع به تیراندازی کرد و جمعیت در حالی که کشته‌ها و زخمی‌ها را به جا گذاشته بودند متفرق گردیدند. اغتشاشات در محلات دیگر پایتخت نیز به وقوع پیوست.

... جمعیت به پلیس حمله نموده و ماشین‌های پلیس را واژگون و آتش زدند. در چند ناحیه شهر آتش سوزی رخ داد. دولت از ارتش مدد خواست و حکومت نظامی اعلام کرد و زره پوش‌ها برای محافظت مراکز عمده شهر، مقر شاه و نخست‌وزیری مستقر شدند... تظاهرات ضد حکومتی همچنان در شهرهای مشهد، تبریز، شیراز، قم و ری به وقوع پیوست... سخنگویان رسمی می‌گویند که تمام این اغتشاشات خود به خود به وجود نیامده، بلکه نتیجه توطئه رهبران مرتجع و آخوندهای مسلمان بوده است. سسی تن از ملاهای تراز اول دستگیر شده و در میان آنان نام آیت‌الله خمینی... دیده می‌شود... آخوندها قدرت فراوانی در میان طرفداران فرقه شیعه دارند و به دلایل تاریخی، تعصب مذهبی در میان شیعیان هنوز خیلی قوی بوده و در ماه محرم این تعصب به حداکثر شدت خود می‌رسد.

خمینی و طرفدارانش از این تعصب مردم بهره‌برداری کردند و علناً علیه دولت به توطئه‌هایی دست زدند. آنها ادعا کردند که دولت قصد بر انداختن قوانین اسلام را دارد. آنها از تعصب مذهبی مردم سوءاستفاده کرده آنها را اغفال کردند. آنها اصلاحات اجتماعی دولت و حقوق مشترک به بانوان را بهانه کرده، مردم را بر ضد دولت برانگیختند. در اثر تبلیغات آنها اشخاصی که از تعصب کور شده بودند به خیابان‌ها ریخته، به آشوب و بلوا دست زدند... ملاهای مسلمان ایران صاحبان زمین فراوانی هستند و ترس از دست دادن این اراضی باعث مخالفت آنها با دولت شده است... با دلایل کافی می‌توان تصور کرد که ملاها با تمام عناصر ارتجاعی مخصوصاً فئودال‌ها در جریانات اخیر همکاری





داشته‌اند... اگر چه نظم در تهران و سایر شهرها برقرار شده. لیکن وضع هنوز بحرانی می‌باشد. ملاهای مرتجع هنوز تسلیم نشده و به دسیسه‌های ضد دولتی خود و پخش اعلامیه ادامه می‌دهند...

این همکاری و اتحاد نامقدس ابرقدرت‌ها و استعمارگران راستی و چپی در حمله به نهضت امام خمینی، نمایانگر عظمت سیاسی و اجتماعی او و میزان اهمیت و اصالت نهضت اسلامی و اثرات ژرف و مثبت آن در میان ملت مسلمان و زحمتکش ایران بود که به طور محسوس و چشمگیری منافع ابرقدرت‌ها و احزاب و سازمان‌های وابسته به آنها را در داخل به خطر می‌انداخت.

۲. امریکا که موجودیت خود را در ایران در گرو اجرای «انقلاب سفید» می‌دید و سرسختانه خواستار اجرا و پیاده شدن آن بود، با قیام امام علیه این فرم استعماری و اسارت‌بار، همه چیز خود را در معرض خطر و نابودی انگاشت. از این رو با تمام نیرو و امکانات علیه امام خمینی و نهضت ضد استعماری او بسیج شد. کمونیست‌ها نیز که با آغاز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام دیگر نمی‌توانستند در میان طبقات محروم و رنج‌دیده اجتماع نفوذ کرده، آنان را به اسم آزادی در جهت منافع شوروی قرار دهند، سخت احساس خطر کردند و امام خمینی و نهضت او را علیه خود و منافع خویش پنداشتند و خود را ناچار می‌دیدند که با امپریالیسم غرب و رژیم دست‌نشانده آن در ایران، هم‌صدا شوند و برای سرکوبی نهضت با آنان همکاری نزدیک و همه‌جانبه‌ای داشته باشند. چنانکه با امپریالیسم انگلیس و رژیم دست‌نشانده رضاخان قلدر در سرکوبی جنبش اسلامی جنگل همکاری همه‌جانبه‌ای داشتند.

علی‌رغم تلاش بی‌امان استعمارگران شرق و غرب در آلوده ساختن چهره انقلابی قیام ۱۵ خرداد و سیل تهمت به قهرمانان آن رخداد تاریخی، حقایق در زیر پرده پوشیده‌نماند و بسیاری از واقعیت‌ها از لابه‌لای قلم نویسندگان غربی که می‌کوشیدند قیام ملت ایران در ۱۵ خرداد را ارتجاعی، غیر ملی و آنارشستی وانمود سازند، بروز کرد و شاه و حامیان غربی و شرقی او را بیش از پیش رسوا کرد؛ و از آنجا که درج همه مقاله‌ها و نوشته‌های روزنامه‌های غربی درباره ۱۵ خرداد و بررسی و تفسیر آن نیاز به کتابی جداگانه دارد و از مجال این نگارش بیرون است، به آوردن ترجمه برخی از نوشته‌های مطبوعات خارجی اکتفا می‌گردد.

روزنامه‌های *الاهرام* - چاپ قاهره - در تاریخ پنجشنبه ۱۶ خرداد ۴۲ زیر عنوان: «تهران شعله‌ور گردیده و اهالی آن با صدای بلند، براندازی نظام حاکم و قطع رابطه با اسرائیل

رامی خواهند» نگاشت:

دیروز تهران از آتش خشم مردم شعله‌ور شد و زبانه‌های آتش به شهرهای دیگر کشید. نیروی نظامی و ارتش شاه با تانک و توپ و زره پوش به خیابان‌ها آمد و صدها نفر از تظاهرات‌کنندگان کشته و زخمی شدند. نیروی نظامی که به مسلسل سنگین مجهز می‌باشد. کاخ شاه را احاطه کرده و راه‌هایی را که به کاخ منتهی می‌شود، بسته است. تظاهرات قهرآمیز مردم - که ناظران سیاسی آن را شدیدترین تظاهرات ضد شاه پس از سقوط دولت دکتر مصدق در سال ۱۹۵۳ می‌خوانند - وقتی آغاز شد که زعیم دینی، آقای روح‌الله خمینی و یاوران او دستگیر شدند که موجب شد تظاهرات به یک انقلاب کاخ‌برانداز تبدیل شود. تظاهرات‌کنندگان و هیئت‌های دینی که به مناسبت ماه محرم سیاه‌پوشند، با شعار مرگ بر شاه به اداره انتشارات و رادیو هجوم کردند و کوشیدند آن را اشغال کنند و نیز به ساختمان‌های وزارت دارایی، وزارت خارجه و اداره روزنامه/اطلاعات که وابسته به شاه می‌باشد، حمله کردند و آن را به آتش کشیدند و ماشین‌های ارتشی را سنگ‌باران کرده، یک جیب‌ارتش را پس از واژگون ساختن آتش زدند. پلیس با مسلسل و گاز اشک‌آور به تظاهرات‌کنندگان یورش برد و عده‌ای را کشته و زخمی ساخت. بنا به اظهار شاهدان عینی در همان ساعات اول تظاهرات صدها نفر کشته شدند؛ و دامنه انقلاب به مشهد که در شمال شرقی ایران قرار دارد نیز کشیده شد و یکی از افراد پلیس در این شهر به قتل رسید و نیز در شهر مقدس قم، انقلاب مردمی به وقوع پیوست.

همین روزنامه در روز ۱۷ خرداد ۴۲ زیر عنوان «آتش در تمام شهرهای ایران شعله‌ور شده است» چنین می‌نویسد:

انقلاب مردمی سراسر ایران را فراگرفته است و تلاش بی‌امان ارتش که به تانک و زره‌پوش مسلح است، در سرکوب انقلاب به جایی نرسیده است. نیروهای انتظامی تهران را در اشغال خود دارند ولی توده‌های مردم توانستند حلقه محاصره پلیس را شکسته، برای چندمین بار به منظور اشغال ساختمان اداره انتشارات و رادیو کوشش به عمل آورند. ارتش با تجهیزات بیشتری به حفاظت از کاخ شاه پرداخته و شاه همراه خانواده





سلطنتی کاخ را ترک گفته و به کاخ سعدآباد که در خارج تهران قرار دارد گریخته است. بنابر نوشته روزنامه/اطلاعات، شاه شخصاً رهبری سرکوبی انقلاب مردمی را بر عهده دارد و علی‌رغم حکومت نظامی و منع رفت و آمد از طرف دولت، دانشجویان دانشگاه‌ها نیز به انقلابیون پیوستند و آزادی زعمای دینی خود را می‌خواهند و بالای درب ورودی دانشکده صنعتی پلاکی بالا برده‌اند که: «مرگ بر شاه خون‌آشام».

دامنه انقلاب به شیراز نیز کشیده شده و در آن شهر چند پاسبان و یک افسر پلیس به شدت زخمی شده‌اند. آتش انقلاب در شیراز وقتی زبانه کشید که ۶ تن از علمای برجسته و زعیم آنان، روح‌الله خمینی بازداشت شدند.

در تهران نیز تظاهرات قهرآمیز و کشت و کشتار ادامه دارد و قبرستان در محاصره پلیس است تا تعداد کشته‌ها که در آنجا به خاک سپرده می‌شوند از نظرها پوشیده بماند. از تعداد کشته‌شدگان آمار صحیحی در دست نیست.

خبرگزاری آسوشیتدپرس از نیویورک گزارش داد که ده‌ها نفر از دانشجویان ایرانی در برابر سازمان ملل متحد دست به تظاهرات زدند و پلاکارتی حمل می‌کردند که روی آن نوشته بود «مانتخابات آزاد می‌خواهیم»، «ما می‌خواهیم که حقوق بشر در ایران رعایت گردد»، «مرگ بر شاه» دانشجویان ضمن اعلامیه‌ای که در آنجا پخش کردند یادآور شده‌اند که انقلابیون ایران با اصلاحات مخالف نیستند، با تأمین حقوق زنان نیز مخالفتی ندارند و نیز با مبارزه با بی‌سوادی مخالفت نمی‌کنند، بلکه با شاه مخالف هستند که از طرف امریکا حمایت می‌شود. گوینده رسمی دولت ایران زعیم دینی، روح‌الله خمینی و دیگر علمای دین را متهم کرده که با اصلاحات ارضی شاه مخالفند...

مجله هفتگی/بسرواتور عرب در شماره هفدهم خود در ژوئن ۱۹۶۳ (خرداد ۱۳۴۲) مقاله‌ای را به تظاهرات خونین ۱۵ خرداد اختصاص داده و تحت عنوان «نیرنگ بزرگ» می‌نویسد:

موج تازه‌ای از اغتشاشات ایران را فرا گرفته است. در اوایل این ماه چندین هزار نفر از طرفداران رهبر مذهبی آیت‌الله خمینی دست به

تظاهراتی علیه حکومت دیکتاتوری زدند. تظاهرات کنندگان خواستار آزادی زندانیان... و همچنین قطع روابط سیاسی با اسرائیل بودند. دولت ایران چندین سال است که (دو فاکتو) دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته است و این شناسایی باعث قطع روابط سیاسی جمهوری متحده عرب و ایران شد.

همین مجله سپس اضافه می کند:

هر چند که شاه در هر لحظه اعلام می کند که اکثریت ملت پشت سر او هستند، مع ذلک دیگر از وضع خویش در برابر جنبش نیروهای انقلابی در تهران مطمئن نیست... گرچه دسته‌های نظامی اغتشاشات ضد دولتی را سرکوب کردند، ولی این امر نتوانست مانع بشود که رهبران مذهبی در ضمن پخش تراکت‌هایی مردم را علیه رژیم شاه به جهاد دعوت کنند. این تراکت‌ها کلیه مسلمانان صمیمی را دعوت به جهاد علیه حکومتی که راه حقیقی اسلام را پیروی نمی کند، می کردند. همین تراکت‌ها اضافه می کنند که دولت نمی تواند قانونی باشد. بنابراین ایمان مذهبی به ما این حق را می دهد و این وظیفه را به دوش ما گذاشته است که با دولت مبارزه کنیم.

ابسرواتور عرب سپس می نویسد:

اغتشاشات محرم از طرف دولت ایران به موجی از تعصب مذهبی نسبت داده شده است. علم اظهار داشته است که رهبران مذهبی و شیعه‌های متعصب قصد داشته‌اند که علیه رفرم‌های پیشنهادی شاه سابوتاژ کنند... ولی دانشجویان ایرانی در ایالات متحده امریکا اظهار داشتند که... این اغتشاشات نتیجه محض و روشن احساسات ضد شاه و عدم رضایت عمومی توده مردم است، چه شیعه و چه سنی. علاوه بر این نشان دهنده این اعتقاد است که حکومت در برنامه اصلاحات خود صادق نیست.

خبرنگار (U.P.I) که خود شاهد قسمتی از جریانات بوده این طور گزارش می دهد:

تظاهرات کنندگان با مشت‌های گره کرده و فریادهای رعدآسا وارد خیابان‌های اطراف بازار شدند و با قوای ارتشی مواجه گشتند. قوای مسلح به طرف جمعیت تیراندازی می کرد ولی مردم همچنان پیش می رفتند. من شخصاً ناظر پیشروی شجاعانه تظاهرات کنندگان به





سوی رگبار گلوله بودم. ایمان مردم به حدی قوی بود که سینه خود را سپر گلوله می کردند و به پیروزی و موفقیت خود اطمینان داشتند، ولی نظامیان با تانک‌های سنگین و مسلسل‌های ساخت امریکا بیکار ننشسته بودند. من خود شاهد بودم که سربازان با خونسردی هر چه تمام‌تر مردم را هدف گلوله قرار داده، درو می کردند. یکی از تظاهرات کنندگان در مقابل من به زمین افتاد و جان سپرد. وقتی خم شدم جوان دیگری در برابر من غلتی زد و بر زمین افتاد و به دنبال خود نواری از خون به جای گذاشت. رهگذران جرئت و فرصت کمک به زخمی‌شدگان را نداشتند ولی هنگامی که آتش خاموش شد و دود و آتش برطرف گردید، اجساد کشتگان ظاهر گشت و آنگاه بازاریان به سراغ یاران شهید خود آمده، با روزنامه اجساد آنها را پوشاندند... به اطراف خود نگاه می کردم، قلب تهران به صبح بعد از طوفان شبیه است. هر چیزی قطعه قطعه و ویران شده، تمام ادارات دولتی تعطیل و شهر مانند یک قلعه نظامی تسخیر شده است. فجیع‌ترین وضعی است که در دوران بیست‌ساله گذشته دیده‌ام. آتش و خرابی، بازار و ادارات دولتی و مغازه‌های فراوانی را فراگرفته. دود سیاه به آسمان بلند است. غرش ماشین‌های آتش‌نشانی از هر گوشه‌ای به گوش می‌رسد ولی هنوز شعله آتش به آسمان زبانه می‌کشد...^۱

روزنامه *لوموند* زیر عنوان «تظاهرات در تهران، قدرت شاه را متزلزل کرده است»، چنین می‌نویسد:

دستگیری خمینی

اول ماه ژوئن برای مسلمانان شیعه ایران ماه عزا می‌باشد که شهادت حسین - سومین پیشوای اسلام - را یادآوری می‌کند. امسال ماه عزای شیعیان از شور و هیجان ویژه‌ای برخوردار است. پرچم‌های سیاه تمام شهر را در بر گرفته است، بازار در همه جا به ویژه در محله‌های جنوب که از همه فقیرتر و از همه سنتی‌تر است، به کلی بسته است. هزاران نفر در خیابان‌ها و در زیر گنبد‌های بازار سینه می‌زنند. یک انرژی زیادی در این فعالیت‌ها دیده می‌شود. روز سوم ژوئن آقای

۱. نقل از بولتن جبهه ملی، ش ۳، جمعه ۱۷ خرداد ۱۳۴۲.

خمینی در مسجد بزرگ قم - شهر مقدس ایران - یک سخنرانی شدیداً قهرآمیز علیه شاه ایراد می‌کند و او را به قاتلین حسین تشبیه می‌نماید. پلیس مداخله کرده، وحشیانه حرف خمینی را قطع می‌کند، قهر و خشم بالا می‌گیرد، خمینی از مردم مسلمان می‌خواهد که مأموران شاه را خفه کنند. مردم به حرکت در می‌آیند، پلیس عقب‌نشینی می‌نماید ولی صبح فردا مأموران درب خانه خمینی را به صدا در می‌آورند. می‌خواهند به زور وارد خانه شوند. پسر ایشان جلو ورود آنان را می‌گیرد. مأموران شاه او را به قتل می‌رسانند و خمینی را بدون هیچ مجوز اداری دستگیر می‌کنند. خمینی ساعت ۴ دستگیر می‌شود و در ساعت ۶/۵ تظاهرات کنندگان در تهران و تبریز، شیراز و مشهد به راه می‌افتند.

در این تظاهرات به هر پرچم عزای حسین شهید، عکسی از خمینی زده شده بود و نیز بیرق‌هایی دیده می‌شد که روی آن نوشته بود «زنده باد مصدق». اگر از مردم می‌پرسیدی این دو شعار چه معنی دارد می‌گفتند: خمینی امام ماست و مصدق رئیس ماست. تجار بازار در این تظاهرات شرکت داشتند. از اینکه بعضی از تجار و ملاها وابسته به مالکین زمین می‌باشند، حتمی است ولی به نظر می‌رسد که خمینی در این دسته نباشد؛ ولی این حقیقت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که توده مردم جنوب شهر، بیکاران، پیشه‌وران و... در خط واحدی در این تظاهرات شرکت دارند.

شکاف بین رژیم سلطه و توده روز به روز عمیق‌تر می‌شود. ملاهای بزرگ در زندان به سر می‌برند و طرفداری توده با آنهاست. جبهه ملی و مخالفین چپ که خود را از حوادث کنار نگه داشته‌اند، برنامه معین ندارند و به نظر می‌رسد بیشتر از گذشته ایزوله شده باشند. دانشجویان دست به یک حرکت انقلابی زده‌اند ولی مخالفت آنها تاکنون از محدوده دانشگاه تجاوز نمی‌کند. کارگران در تهران به شدت و گرمی استقامت می‌ورزند ولی سازمان مرتبی ندارند.^۱

تهران - ۶ ژوئن (اژانس فرانس پرس، آسوشیتد پرس، رویتر) از ساعت ۵ صبح که مقررات منع عبور و مرور به اجرا گذاشته شد، تهران سومین

۱. لوموند، چاپ فرانسه، شماره ۵۷۶۰، ۲۵/۷/۱۹۶۳.



روز شورش و عصیان خویش را آغاز کرد. این شورش نسبت به روزهای پیش خفیف تر بود. قوای نظامی با اشغال مرکز شهر و محاصره بازار، شورش کنندگان را وادار به تفرق می کردند. جمعی از تظاهرات کنندگان که از بازار به راه افتاده بودند یکبار دیگر کوشیدند ساختمان فرستنده رادیو را تصرف کنند ولی موفق نشدند. در داخل دانشگاه گروه های دانشجویی علیه حکومت تظاهرات می کردند. نیروهای نظامی دانشگاه را در محاصره داشتند ولی هنوز در صدد برنیامده بودند که دستور وزارت فرهنگ را درباره تعطیل دانشگاه به اجرا گذارند. تق و لق بودن کار اتوبوسرانی مانع از آن شد که بسیاری از مأموران دولتی بتوانند به سر کار خود بروند... کاخ شاه، کاخ نخست وزیری و قبرستان شهر که قربانیان تظاهرات چهارشنبه (۱۵ خرداد) در آن به خاک سپرده می شوند، در محاصره قوای نظامی است. قبرستان را بدین جهت محاصره کرده اند که مانع تظاهرات شدید خانواده های قربانیان گردند. ۲۳ تانک به مراقبت گمارده شدند، ۲۳ تانک سنگین امریکایی در برابر اداره شهرداری و وزارت خارجه آماده عملیات هستند. تانک های دیگری نیز همراه با ۶ جیب مسلح به مسلسل، اداره پست و تلگراف را می پایند و سربازان به طور مدام انگشتانشان روی ماشه آماده فشردن است.

... شاه و ملکه فرح به اتفاق دو فرزندشان چهارشنبه (۱۵ خرداد) که اوج شورش بود، تهران را به قصد کاخ سعدآباد ترک گفتند... وزارت دادگستری تعداد کشته شدگان را ۷۴ نفر شمرده که ۶۰ تن آن در تهران و ۱۴ تن در قم بوده است؛ اما به نظر می رسد که شماره قربانیان خیلی بیش از این باشد. حکومت به خبرهایی که در آن تعداد کشته شدگان یک هزار تن شمرده شده است، اعتراض کرد. بیمارستان های تهران وسیله نظامیان محاصره شده است و به کسی اجازه ورود داده نمی شود. بیمارستان ها از دادن هر گونه اطلاعی درباره تعداد زخمی ها و کشته ها امتناع می ورزند.

دخالت مصر؟

برای نخستین بار پس از ده سال، پایتخت تحت حکومت نظامی قرار گرفته است... در همان حال که در شهر حکومت نظامی برپاست

وضع مبهم است. ژنرال پاکروان رئیس سازمان امنیت در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که توطئه‌ای برای واژگون کردن رژیم در کار بوده است. وی تأیید کرد که در سپیده‌دم چهارشنبه (۱۵ خرداد) آیت‌الله خمینی را در قم، آیت‌الله قمی را در مشهد و در حدود ۳۰ تن دیگر از علما را توقیف کرده‌اند. وی اعلام کرد که این اشخاص به اتهام توطئه علیه امنیت کشور محاکمه خواهند شد. مدارک درباره همدستی اینان با توطئه‌گران خارجی به دست آمده است. وی گفت وجوهی وسیله مصر در اختیار رؤسای مذهبی قرار گرفته است تا در داخل کشور ایجاد اغتشاش نمایند و با این اغتشاش‌ها سیاست اصلاحات اجتماعی را که شاه اتخاذ کرده است، ناکام گردانند.

ژنرال پاکروان به علاوه تصریح کرد که جبهه ملی در این حرکت شرکت نداشته است و تنها تعداد کمی از دانشجویان در تظاهرات شرکت کرده‌اند. هدف آیت‌الله خمینی، رئیس توطئه‌گران با همدستی علمای خارجی این است که می‌خواهد خود را مرجع شیعیان گرداند.

تدابیر غلاظ و شداد درباره نظم و امنیت

جلسه هیأت وزیران که عصر روز چهارشنبه منعقد گردید، از ساعت ۱۰ تا ۵ صبح مقررات منع عبور و مرور را تصویب کرد. ژنرال نصیری بلافاصله دستور زیر را صادر کرد: هر گونه اجتماع از ساعت ۸ به بعد ممنوع است و مأموران فرمانداری نظامی دستور دارند به دنبال اولین اخطار شلیک کنند. هر کس علیه نظم عمومی فعالیت کند در معرض مجازات اعدام قرار دارد و مأموران فرمانداری نظامی حق بازپرسی و توقیف هر مظنونی را دارند.

پنج‌شنبه صبح (۱۶ خرداد) شدیدترین شورش‌ها در شیراز به وقوع پیوسته است. تظاهرات کنندگان - علما و مبارزینی که پیراهن سیاه در بر کرده‌اند به دنبال آنان می‌باشند - به شکستن مغازه‌ها و آتش زدن وسایط نقلیه پرداختند. آنها تقاضای آزادی رؤسای مذهبی را می‌کردند.^۱ روزنامه «دی ولت» زیر عنوان «تظاهرات کنندگان خواهان سقوط شاه شده‌اند» آورده است:

۱. لوموند، چاپ فرانسه، شماره ۵۷۱۹، ۱۹۶۳/۶/۷ (۱۷ خرداد ۱۳۴۲).



تهران، ۶ ژوئن

ناآرامی‌ها در ایران هنوز ادامه دارد. صبح پنجشنبه (۱۶ خرداد) تظاهرات کنندگان متعصب در شهر جنوبی ایران (شیراز) خواستار سقوط شاه شدند. آنها مغازه‌ها را به هم ریخته، وسایل نقلیه را به آتش کشیدند. در اغتشاشاتی که ۳ روز است به طول انجامیده است، طبق اظهار علم نخست‌وزیر کشور ۲۶ نفر کشته، ۶۰ نفر زخمی شده‌اند. در تهران چتربازان تربیت شده جنگی به جستجو و تعقیب گردانندگان اغتشاشات پرداختند. در محلات مختلف شهر تظاهراتی به وجود آمد که به وسیله نیروی انتظامی فوراً در هم کوبیده شد. فرمانده کل ارتش ایران بعد از شنیدن خبر تظاهرات در شیراز فوراً در این شهر حکومت نظامی اعلام کرد. این حالت از چهارشنبه (۱۵ خرداد) در تهران حکم‌فرما می‌باشد. تظاهرات کنندگان پلاکارت‌هایی در دست داشتند که روی آنها این شعارها نوشته شده بود: «نابود باد رژیم کنونی»، «نابود باد دشمنان اسلام»، «ما خواهان آزادی رهبر مذهبی خود هستیم»، «ما تا آخرین قطره خون در راه هدف مقدس خود به مبارزه ادامه خواهیم داد».

دی‌ولت در شماره بالا در گزارش دیگری نوشته است:

اغتشاشات در تهران فروکش می‌کند. پلیس و ارتش اوضاع را تحت کنترل دارند. تهران - ۶ ژوئن. آشوب‌های شدید در پایتخت ایران در روز پنجشنبه فروکش کرده‌اند. کلیه واحدهای ارتش از مرکز شهر فراخوانده شدند، ولی در نزدیکی کاخ تابستانی شاه تیراندازی‌هایی دیده می‌شد. صبح پنجشنبه (۱۶ خرداد) گروهی از مردم کوشیدند تا برای سومین بار ساختمان ایستگاه رادیوی تهران را به تصرف خود درآورند. در تعقیب این جریانات واحدهای ارتش مرکز شهر را به محاصره خود درآوردند و تیرهای هوایی خالی کردند. از آن پس سربازان به سوی بازار که مرتب محل تجمع انقلابیون قرار دارد حمله کردند... چتربازان در تمام مدت صبح پنجشنبه محلات مختلف شهر را به جستجوی طغیان‌گران، مورد هجوم قرار دادند. ۲۵ تانک جنگنده بر گرد وزارت خارجه حلقه زده‌اند. کاخ سلطنتی توسط نیروهای هوایی ارتش محافظت می‌شود. شاه برخلاف گزارش‌های سابق قبول نکرده که همراه با خانواده‌اش کاخ

سلطنتی را ترک کند. او همراه سایر اعضای دولت کلیه اقدامات لازم را برای سرکوب شورش، رهبری می‌کند. دانشگاه تهران صبح پنجشنبه بسته شد. دانشجویان اخلاک‌گر به وسیله کماندوهای پلیس از هم‌پراکنده شدند... کمیسیون امنیتی در جلسه فوق‌العاده‌ای خواستار اقدامات شدیدتری علیه تظاهرات بعدی شد. به پلیس و ارتش فرمان داده شد هر کوششی را برای اخلاک‌گری و ایجاد اغتشاش فوراً در نطفه خفه کنند...^۱

لوموند در گزارش دیگری آورده است:

... در تهران هنوز شهر به وسیله ارتش اشغال شده است و بازار و دیگر مناطق پر جمعیت جنوب را تحت نظر دارد. در داخل بازار و نیز در کنار مساجد سرباز مستقر شده است. تمام فعالیت‌های شهری اکنون فلج شده، مغازه‌ها بسته، در خیابان‌های اصلی حرکت وسایل نقلیه قدغن است. در هنگام شب صدای تیراندازی و رگبار مسلسل شنیده می‌شود. تظاهرات خونین در شیراز و قم

روز پنجشنبه تظاهرات قهرآمیزی در شیراز به وقوع پیوست. تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. تظاهرات کنندگان - همانند تظاهرات کنندگان پایتخت - مغازه‌های شیراز را خراب و غارت کردند و ساختمان‌ها، سینماها و اتومبیل‌ها را به آتش کشیدند. تعدادی از اتومبیل‌ها متعلق به پلیس بوده است.

از نیروهای انتظامی یک کلنل و عده‌ای پلیس زخمی شده‌اند. چهار رهبر مذهبی من جمله آیت‌الله محلاتی دستگیر شده، به تهران انتقال داده شدند.

از طرف دیگر در شهر مقدس قم - که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب تهران واقع است - نیز شورش‌هایی به وقوع پیوسته است. از این شهر نیز افرادی کشته و زخمی شده‌اند... ستون‌های ارتش رفت و آمد تهران به قم را متوقف ساخته‌اند.

۱. برای روشن شدن این حقیقت که مطبوعات خارجی روی در یوزگی و وابستگی به امپریالیسم، اخبار ۱۵ خرداد را مستقیماً از دستگاه تبلیغاتی ایران می‌گرفته‌اند و به نفع رژیم می‌نوشته‌اند، در گزارش بالا دقت نمایید. در این گزارش با تیرتر درشت اعلام شده که «اغتشاشات فروکش کرد، کلیه واحدهای ارتش از مرکز شهر فراخوانده شدند!» ولی از آنجا که دروغگو کم‌حافظه می‌شود، بعد از چند سطر آمده که: «مردم کوشیدند تا برای سومین بار ساختمان ایستگاه رادیوی تهران را به تصرف خود درآورند و به ارتش دستور شدت عمل داده شد.»





تظاهرات دیگری نیز در مشهد و تبریز به وقوع پیوسته است...
رئیس دولت از توطئه سخن می گوید.

آقای اسدالله علم نخست وزیر ایران در پنجشنبه در مصاحبه رادیویی اظهار داشت که از افشا شدن به موقع توطئه سران مذهبی خوشحال است. به گفته وی این توطئه قرار بود تا ۱۵ روز دیگر به مرحله اجرا در بیاید... در چنین شرایطی احتمال خطر می رفت که دولت قادر به مقاومت نباشد... بدین طریق، آقای علم، تز عمومی ژنرال پاکروان را که طبق آن حوادث اخیر به یک توطئه سیاسی برای سرنگونی رژیم مربوط بوده است، تأیید می کند...

به نظر می رسد که شورش روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۱۵ و ۱۶ خرداد) جز یک برنامه عمومی از پیش تعیین شده نبوده است، بلکه به علت دستگیری رهبران مذهبی به ویژه دستگیری آیت الله خمینی - که از پرستیژ غیر قابل انکاری در میان توده های مسلمان شیعه برخوردار است و این پرستیژ به خاطر آن است که ایشان از ماه مارس گذشته رهبری جنبش مذهبی مخالف رژیم را به عهده گرفته اند - به وجود آمده است.^۱

دی ولت نیز آورده است:

مسلمانان علیه اصلاحات، بازار در حال آتش سوزی
دولت علم حکومت نظامی اعلام می کند، اخبار «دی ولت»
تهران - ۵ ژوئن. [تعدادی] کشته و زخمی از نتایج تشنجات شدیدی است که در پایتخت ایران به وقوع پیوستند. طبق احتمالاتی که داده می شد و صدها نفر از مردم کشته شده اند دولت علم در تهران حکومت نظامی اعلام کرد. ارتش با تانک و مسلسل علیه طرفداران رهبر مسلمانان، خمینی، که علیه اصلاحات شاه دست به اعتراض زده اند وارد عمل شد... تهران در تمام مدت روز همانند شهری در حال محاصره جلوه می کرد. بعد از اغتشاشات چنین می نمود که گردبادی وزیده است. تظاهرات کنندگان، بازار را در چندین نقطه به آتش کشیدند. خیابان های مرکز شهر مملو از باقیمانده خرابی ها و قطعات شیشه و

۱. لوموند، ۸ ژوئن ۱۹۶۳ (۱۸ خرداد ۱۳۴۲).

پنجره‌اند. دولت علم اعلام کرده که علیه نیروهای مخالف بدون ترحم پیش خواهد رفت. کاخ شاه در محافظت شدید است. نیروهای محافظ کلیه خیابان‌هایی را که به کاخ منتهی می‌شود کنترل می‌کنند، علاوه بر این بعضی از وزارتخانه‌ها نیز در تصرف و کنترل نیروهای محافظ است. اقدامات امنیتی هنگامی در پیش گرفته شد که مسلمانان متعصب کوشش کردند بخش رادیو و مطبوعات را محاصره کرده، به وزارت صنعت که در مجاور آن قرار دارد هجوم آورند.

آنچه موجب این اغتشاشات شد دستگیری تقریباً ۱۳۰ نفر از اعتصاب‌کنندگان در سه‌شنبه شب و دستگیری خمینی و معاونش در صبح چهارشنبه (۱۵ خرداد) بود...^۱

روزنامه‌تایمز مالی نوشت:

... شیشه‌های شکسته ساختمان‌های دولتی و ردپای نفرت‌انگیز تانک‌ها در معبرهای اصلی تهران، نمادی از وضعیت فعلی ایران است. آمار تلفات مالی و جانی بسیار سنگین است. حکومت نظامی همچنان در تهران ادامه دارد... این آشوب‌ها تنها متعلق به پایتخت نیستند بلکه در برخی از دیگر شهرهای مهم نیز رخ دادند. حمله‌ای دیگر برای به دست گرفتن و اشغال ایستگاه رادیویی انجام شد. مقامات و صاحب‌منصبان رسمی معتقدند که شورش‌ها برای اشغال مراکز آب و برق شهر نیز پیش‌رفته بودند و موفق شدند از مرز نیروهای پلیس و ارتش بگذرند. شورش‌ها نقطه‌اوجی برای درگیری بین دولت و روحانیون محسوب می‌شد. روحانیون به رهبری آیت‌الله خمینی در مخالفت با اصلاحات ارضی به سر می‌برند...^۲

۳. روزنامه‌های صهیونیستی در فلسطین اشغالی که از خیزش و خروش ملت ایران بر ضد شاه و صهیونیست‌ها سخت بیمناک و نگران شده بودند، با آوردن یک سلسله تحلیل‌های زهرآگین و گزارش‌های دروغین کوشیدند که مسلمانان را به اختلاف‌های داخلی بکشانند، اذهان را مشوب کنند و حرکت اسلامی ایران را به زیر سؤال ببرند. از این رو، این‌گونه به یاری شاه شتافتند:

۱. دی‌ولت، شماره ۱۲۹، ۱۹۶۳/۶/۱۶ (۱۶ خرداد ۱۳۴۲).

۲. تایمز مالی، چاپ لندن، ۱۹۶۳/۶/۱۹.





شاه شیعیان را مات کرد

متعصبین مذهبی که قصد داشتند با کمک مصر علیه اصلاحات شاه قیام کنند، مرتجع‌ترین عنصر جهان اسلام هستند. شاه ایران، محمدرضا پهلوی در هفته گذشته بر توطئه‌ای که به نظر می‌رسید وخیم‌ترین توطئه علیه حکومت وی در ده سال اخیر است فایق آمد...

مبارزات دائمی میان شیعه و سنی و نیز این حقیقت که شیعیان به صورت اقلیت در عالم اسلام باقی مانده‌اند، باعث شد که این دسته مورد آزار و اذیت تعقیب‌کنندگان سنی قرار بگیرند و در بسیاری موارد نیز به صورت یک نهضت زیرزمینی فعالیت کنند. شرایط مزبور باعث شد که پیروان شیعه اطاعت کورکورانه و وفاداری بدون چون و چرایی نسبت به رهبر مذهبی خود داشته باشند و حاضر باشند در راه اجرای اوامر او جان خود را نیز فدا کنند. در نتیجه پیروان مذهب شیعه به مرور زمان به صورت مرتجع‌ترین و متعصب‌ترین دسته‌های اسلامی درآیند و با توسعه و تحول جامعه عرب که در نزد آنها به منزله کفر بود، به شدت مخالفت کنند.

مراکز اصلی قدرت مذهب شیعه، در ایران و عراق است (در حدود نیم میلیون شیعه در عراق سکونت دارد) و پیروی میلیون‌ها نفر ساکنان کشور از مذهب شیعه، قدرت سیاسی بزرگی در میان سران این مذهب ایجاد کرده است، که هیچ حکومتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

با این وجود انقلاباتی که در ۱۲ سال اخیر در خاورمیانه اتفاق افتاد قدرت مذهب را در این کشورها به کلی متزلزل ساخت و به موقعیت مذهب شیعه نیز لطمه وارد کرد. از این لحاظ مبارزه شیعیان ایران با هدف‌های اجتماعی شاه به خصوص تساوی حقوق زنان، به منزله مبارزاتی است که امیدی به موفقیت آن نیست.

موضوع جالب توجه در اغتشاشات اخیر ایران، رفتار دوگانه سرهنگ ناصر، حاکم مصر است. حاکم مصر از آغاز حکومت تاکنون ادعای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در آن کشور را داشته است و به خاطر اصلاحات مزبور از حمله به محال مذهبی محافظه‌کار و محدود ساختن آن خودداری نکرده است، لیکن در ایران به دلیل هدف سیاسی خود از

همکاری با محافل مرتجع خودداری نکرده و سعی دارد به وسیله عمل خود و نیز جمع‌آوری اسلحه رژیم شاه را سرنگون کند...^۱
در مقاله دیگری زیر عنوان «چه عواملی باعث اغتشاشات اخیر ایران شد» آوردند:

نخست‌وزیر ایران اعلام داشت که در تظاهرات اخیر آن کشور که باعث کشته شدن ده‌ها نفر و زخمی شدن صدها نفر دیگر شد، مذهبیون مرتجع دست داشتند. صاحبان بزرگ اراضی و افراد مذهبی مرتجع با اصلاحاتی که در فراندوم اخیر از طرف اکثریت قاطع رأی‌دهندگان به تصویب رسید مخالفت کردند.

نمی‌توان گفت اصلاحات مزبور، اصلاحات دامنه‌دار و وسیعی است ولی همیشه عوامل دست‌راستی‌تر و مرتجع‌تر نیز یافت می‌شوند که با اقداماتی که جهت مترقیانه دارد مخالفت کنند. همین‌ها مسئول خونریزی اخیر تهران و شهرهای دیگر ایران هستند...

اصلاحات ارضی تاکنون شامل ۱۵ تا ۲۰ درصد از پنجاه هزار دهکده ایران شده است. بر طبق اصلاحات مزبور مالکیت ارضی، صاحبان ارضی به ۵۰۰۰ دو نام (هر دونم ۱۰۰۰ متر مربع) محدود گردیده است. صاحبان ارضی از این امر ضرری نمی‌بینند زیرا اراضی تقسیمی به قیمت کامل به کشاورزان فروخته می‌شود...

چه علتی باعث شد که شاه اصلاحات مزبور را انجام دهد؟ زیرا همه می‌دانیم که خود وی نماینده صاحبان ارضی و سرمایه‌داران بزرگ است. شاه اصلاحات مزبور را اعلام کرده است تا از یک نقطه عمومی پیشگیری کند... شاه و دولت می‌دانند که با عدم رضایت کشاورزان و کارگران... نمی‌توان وضع موجود را حفظ کرد... هدف اصلاحات ارضی ایجاد دو

۱. روزنامه معاریو، چاپ تل‌آویو، ۱۹/۶/۱۹۶۳ م.

روزنامه یادشده در این مقاله خود نقشه‌های زیر را دنبال کرده است:

۱. اختلاف‌های مسلمانان شیعه و سنی را که به دست فراموشی سپرده شده بود، زنده کند و دامن بزند.
۲. مکتب تشیع را (که خطرناک‌ترین ایدئولوژی بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم را دربردارد) مذهبی ارتجاعی بنمایاند.
۳. تقلید از مراجع و رهبران مذهبی را ارتجاعی و سخیف جلوه دهد. (مخالفت با اصل ولایت فقیه)
۴. اختلافات نژادی عرب و عجم را زنده کند و احساسات ناسیونالیستی را دامن بزند.
۵. قیام ۱۵ خرداد را علیه اصلاحات ارضی، حقوق زنان و... وانمود کند.
۶. دگرگونی‌های مصر و عراق و برخی دیگر از کشورهای اسلامی را که به دوران شاهی پایان بخشید بر ضد اسلام و مذهب شیعه بنمایاند.
۷. نقش جمال عبدالناصر را در پدید آمدن قیام ۱۵ خرداد، مسلم و قطعی نشان دهد.



دستگی در طبقه کشاورز است. به این منظور که یک طبقه کولاک ایجاد نماید و رابطه بین این طبقه و طبقه کارگر را قطع کند. بنابراین نمی توان گفت اصلاحات ایران حقیقتاً یک اصلاحات مترقیانه است...

انگیزه تظاهرات کنندگان تهران این بود که دولت را وادار سازند از اجرای اصلاحات خودداری کند، لیکن در این امر موفقیتی نخواهند داشت؛ زیرا فشار ملت بر شاه و دولت فوق العاده است و نیز نمی توان چرخهای زمان را به عقب برگردانید. خونریزی که از طرف ارتجاع به عمل آمد باعث خواهد شد که مرتجعین بیشتر در انزوا قرار بگیرند.

حزب توده و جبهه ملی دکتر مصدق تاکنون بارها لزوم افسار زدن به سران مذهبی را که در حیات سیاسی ملت ایران دخالت می کنند... گوشزد کرده اند. شکی نیست که در مقابل این نقشه های سران مذهبی، شاه، دولت، حزب توده و جبهه ملی در یک صف قرار دارند...^۱

در روزنامه دیگری جو سازی بر ضد اسلام و قیام ۱۵ خرداد این گونه دنبال شده است:

... اختلاف میان رهبران مذهبی از یک طرف و دولت و طبقه روشنفکران از طرف دیگر، تنها به اصلاحات ارضی محدود نیست. ایران با وجودی که یک کشور اسلامی است و اسلام مذهب رسمی آن می باشد، اما تعصبی که در کشورهای عربی وجود دارد در این کشور دیده نمی شود. به علاوه در میان عده زیادی از مردم ایران تمایل زیادی به احیای ایران باستان و تمدن قدیم ایران قبل از اسلام نشان داده می شود. بیشتر ایرانیان علاقه دارند آنچه را که مخصوص ملت ایران است از جمله سازش و تحمل نسبت به دیگر گروه های مذهبی و نژادی که ایرانیان را از اعراب مستثنا می سازد، به صورت برجسته ای جلوه دهند. در ایران علاوه بر مسلمانان عده ای یهودی، بهایی، ارمنی و زرتشتی نیز زندگی می کنند و این امری است که برخلاف میل و رضایت افراد مذهبی متعصب می باشد. از این رو، در شعارهای تظاهرات کنندگان چند روز پیش (۱۵ خرداد ۴۲) شعار ضد اسراییلی و ضد یهودی مقام مهمی داشت. تظاهرات کنندگان کوشش داشتند به ملت ایران بیاورند که شاه و دولت او اصلاحات ارضی را با کمک مر بیان اسراییلی انجام می دهند.

۱. روزنامه گلها عام، ارگان حزب کمونیست «اسراییل»، ۹/۶/۱۹۶۳ م.

به علاوه از سربازان اسرائیلی برای حفظ و نگهبانی کاخ‌های شاه استفاده می‌شود...

شعارهای ضد اسرائیلی و ضد یهودی به خودی خود نشان می‌دهد که اغتشاشات از خارج هدایت شده است و برنامه آن در کنار رود نیل ریخته شده است... این نگرانی وجود داشت که اغتشاش کنندگان عملیاتی بر ضد یهودیان انجام دهند. نامه‌های تهدیدآمیز و نیز اعلامیه‌های ضد یهودی در محله‌های یهودی‌نشین تهران و اصفهان و شیراز نشان می‌دهد که توطئه‌کنندگان قصد داشتند به یهودیان و در درجه اول به اسرائیلی‌هایی که در ایران کار می‌کنند صدمه وارد سازند، لیکن دولت قوای محافظ در نقاط یهودی‌نشین قرار داد و از وقوع چنین حادثه‌ای جلوگیری کرد... حکومت فعلی ایران عامل باثباتی و علاقه اسرائیل به ادامه این حکومت به منافع ایران و حفظ صلح این منطقه است. می‌توان امیدوار بود که قوای طرفدار دولت از بروز تشنجاتی که ممکن است به استقلال ایران لطمه وارد سازد جلوگیری نماید. در عین حال ما نسبت به آینده جامعه یهودیان ایران نگران هستیم... شعارهای ضد اسرائیلی و ضد یهودی کافی است ثابت نماید که بهتر است یهودیان ایران محل مطمئنی برای آینده خود در نظر بگیرند. تحرکات ناصر از امنیت یهودیان کشورهای اسلامی کاسته است. هر تغییر و تحولی ممکن است در درجه اول یهودیان را مورد خطر قرار دهد... دولت ایران روش لیبرالی نسبت به مهاجرت یهودیان به اسرائیل دارد و به این علت تابعیت آنها را لغو نمی‌کند. بدین ترتیب که از لحاظ قانونی آنها می‌توانند هر وقت بخواهند به ایران باز گردند و برخی نیز از این موضوع استفاده می‌کنند...^۱ روزنامه‌های صهیونیستی در شرایطی روی «توطئه» تظاهرات کنندگان ۱۵ خرداد بر ضد یهودیان جار و جنجال به راه انداخته‌اند و از «آینده جامعه یهودیان ایران» اظهار نگرانی کرده، زمزمه مهاجرت آنان به فلسطین اشغالی را ساز کرده‌اند که در یکی از روزنامه اسرائیلی تلگرامی از نماینده کنگره جهانی یهود در تهران به چاپ رسیده است و در آن آشکارا اعلام شده است که تظاهرات ایران اصولاً «جنبه ضد یهودی ندارد»:

۱. /مرحاب، چاپ تل‌آویو، ارگان اتحاد کارگر، ۱۰/۶/۱۹۶۳ م؛ روزنامه متسوفه، ارگان «حزب جبهه مذهبی- ملی اسرائیل»، ۹/۶/۱۹۶۳.





امام هنگام نطق آتشین در مدرسه فیضیه، عصر عاشورای ۱۳۸۳ (۱۳ خرداد ۴۲)

... تلگراف زیر از طرف آقای موسی کرمانیان نماینده کنگره جهانی یهود در تهران به اداره کنگره در تل آویو رسیده است: «اغتاشات، جنبه ضد یهودی ندارد و به جامعه یهود صدمه‌ای وارد نشده است. دولت بر اوضاع مسلط است... بحران هنوز ادامه دارد...^۱ شعارها و تظاهرات ملت به پاخاسته ایران بر ضد شاه و صهیونیست‌ها، در روز ۱۵ خرداد ۴۲ تا آن پایه بلند و رسا بود که در فلسطین اشغالی و در میان صهیونیست‌ها نیز به خوبی طنین انداز شد. اشغال‌گران فلسطین فریاد رسای مردم ایران بر ضد اشغال‌گران را شنیدند و پیام ضد صهیونیستی قیام ۱۵ خرداد را دریافت کردند. از این رو، با تیتیر درشت آوردند:

تظاهرات علیه اسرائیل در تهران

دیروز هزاران نفر مسلمان شیعه در خیابان‌های تهران تظاهرات کرده و قطع هرگونه روابطی با اسرائیل را خواستار شدند. تظاهرات کنندگان در دسته‌هایی که هر سال به یادبود نوه حضرت محمد تشکیل می‌شود بر ضد شاه و اسرائیل شعارهایی دادند.^۲

این روزنامه در گزارش دیگری با تیتیر درشت اعلام کرد:

تظاهرات کنندگان فریاد «شاه یهودی شده!» سر دادند

۱. روزنامه هابوکرا، چاپ تل آویو، ۱۰/۶/۱۹۶۳.

۲. معاریو، چاپ تل آویو، ۵/۶/۱۹۶۳ م.

کسی که شاهد اغتشاشات اخیر تهران بوده است گزارش می‌دهد که افراد متعصب فریاد می‌زدند:
«شاه اسرائیلی شده» است.

اکبرت بهری (بهاری) وکیل مدافع مقیم اسرائیل که امروز ساعت ۳ صبح از تهران وارد فرودگاه لیدا شد، وقایع اخیر تهران را برای خبرنگار ما شرح داد. او اظهار کرد که تظاهرات کنندگان فریاد می‌زدند: «شاه دیگر به سربازان خود اطمینان ندارد و سربازان اسرائیلی را مقابل مقرر داده است.» وی اضافه کرد که: جنبه ضد اسرائیلی تظاهرات مزبور به حدی بر جسته بود که تظاهرات کنندگان فریاد می‌زدند:
«شاه اسرائیلی شده» - «شاه یهودی شده»

مشاراآلیه که ۱۸ روز در تهران اقامت داشته است اظهار داشت تا دیشب هیچ‌گونه اطلاعی از وارد آمدن صدمه به اسرائیلی‌های مقیم تهران و یا افراد جامعه یهودی به دست نیآورده است. وی اضافه کرد:
... تانک‌ها و واحدهای ارتش در تمام طول راه و نیز اطراف فرودگاه مستقر بوده‌اند.

آقای بهری اظهار داشت: تظاهرات کنندگان در درجه اول علیه اصلاحات شاه تظاهرات کردند و در این میان همه کاسه کوزه‌ها را بر سر اسرائیل شکستند. تظاهرات کنندگان را دیدم که بسیاری از آنها از جوانان بودند...^۱

خبرگزاری‌های غربی - به ویژه صهیونیستی - نیز تبلیغات دروغین و دور از واقعیت رژیم شاه علیه قیام ۱۵ خرداد را با آب و تاب فراوان مخابره کردند و نقش جمال عبدالناصر و مالکان را در آن قیام با تبلیغات گسترده‌ای انتشار دادند و بار دیگر ماهیت ضد خلقی و غیرانسانی دستگاه‌های خبرپراکنی غرب و شرق را به نمایش گذاشتند و این واقعیت را برای چندمین بار آشکار ساختند که جهانخواران و رسانه‌های گروهی آنان، وقتی که پای منافع استعماری و غارتگرانه‌شان در میان باشد، چگونه از جنایات، تجاوزات و نامردمی‌ها چشم می‌پوشند و همصدا با دیکتاتورها و آدمکش‌ها به جوسازی و دروغ‌پردازی بر ضد ملت‌ها می‌پردازند، واقعیت‌ها را انکار می‌کنند، حقایق را نادیده می‌گیرند، زورمداران خون‌آشام را «مصلح»، «مترقی»، «میهن‌دوست»، «پار و هوادار

۱. همان، ۱۹۶۳/۶/۷ م.





حقوق دهقانان، کارگران و زنان» و... می‌نمایند و قربانیان ظلم و چپاول و تجاوز را «مرتجع»، «عقب‌مانده» و «آلت دست مالکان و بیگانگان»، می‌خوانند و آنگاه می‌بینیم که سفارت ایران در آلمان با خرسندی و بالندگی گزارش می‌دهد که تبلیغات دروغین شاه در غرب توانسته است افکار را فریب دهد و به غربی‌ها بباورد که تظاهرات کنندگان ۱۵ خرداد ۴۲ «مخالف اصلاحات ارضی و شرکت بانوان در مقدرات کشور هستند»!! و توصیه می‌کند که:

... اکنون مهم‌ترین وظیفه ما این است که از این موقعیت حداکثر استفاده را بنماییم و با تبلیغات وسیع، از یک طرف بقایای مخالفین و مفسده‌جویان را در داخل رسوا نموده و از طرف دیگر به کشورهای غربی اهمیت خاص بر نامه‌های اصلاحی شاهنشاه را بفهمانیم...

این جوسازی‌ها و حق‌کشی‌های امپریالیسم خبری و هم‌صدایی بنگاه خبر پرآکنی جهان با دستگاه تبلیغاتی شاه و تأثیر نامطلوب آنان روی افکار مردم جهان، دل امام را سخت به درد آورد؛ از این رو، پس از آزادی از زندان در سخنرانی خود در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۴۳ دردمندانه اظهار کرد:

... افسوس که دست ما از عالم کوتاه است، افسوس که صدای ما به عالم نمی‌رسد، افسوس که گریه‌های این مادرهای بی‌چهره مرده نمی‌رسد به دنیا. ما را کهنه‌پرست معرفی می‌کنند، ما را مرتجع معرفی می‌کنند... جراید خارج از ایران، آنهایی که با بودجه‌های گزاف برای کوبیدن ما مهیا شده‌اند، در خارج ما را مخالف اصلاحات - که اسلام در رأس اصلاحات واقع شده است - معرفی می‌کنند، مخالف ترقی مملکت معرفی می‌کنند...^۱

با تفصیل مذکور، عکس‌العمل نظام مشروطه سلطنتی و رسانه‌های وابسته به آن در داخل و خارج نشان می‌دهد که امام خمینی و نهضت پانزده خرداد ضربه نهایی را دقیقاً به نقطه حساس رژیم شاه و قدرت‌های خارجی حامی نظام شاهنشاهی و احزاب مدعی مبارزه وارد ساخته و تحقیقاً این ضربه به مشروعیت عقلی و دینی نظام مشروطه سلطنت و ارکان وابسته به این نظام وارد شده است...

۴. رژیم، عجولانه و بدون پیروی از منطق خاصی، پس از کشتار پانزده خرداد و دستگیری مرجعیت، اقداماتی را در رسانه‌ها انجام داد که پیش از آنکه نشان از پیروزی

باشد، نمایانگر بازسازی مشروعیت از دست رفته بود.

روزنامه‌های عصر تهران در روز ۱۵ خرداد با تیتر درشت، اعلامیه‌ای را که به نام آقای میلانی و آقای قمی جعل شده بود منتشر ساختند! عنوان درشت «حضرت آیت‌الله میلانی و آیت‌الله طباطبایی قمی مردم را به آرامش و رعایت نظم دعوت کرده‌اند» در بالای صفحه اول روزنامه‌های عصر تهران جلب نظر می‌کرد که خود بازگوکننده ترس و وحشت و اضطراب شاه از قیام مردمی ۱۵ خرداد بود که از طرفی آقای قمی را دستگیر و به زندان گسیل می‌داشت و از طرف دیگر به نام او و آقای میلانی اعلامیه جعل می‌کرد تا از نفوذ آنان برای فریب و اغفال مردم سوء استفاده کند!

پاکروان - رئیس سازمان جاسوسی - سراسیمه در ساعت یک و نیم بعد از ظهر روز ۱۵ خرداد به مصاحبه مطبوعاتی نشست و بیش‌رمانه‌ترین ناسزاها و نسبت‌های ناروا را متوجه جامعه روحانیت و قائد بزرگ اسلام کرد و ضمن دم‌زدن از مذهب اثنی‌عشری و آمادگی رژیم برای فداکاری در راه دین و... که جز نشخوار عوام‌فریبی‌های همیشگی شاه چیز تازه‌ای در برداشت چنین گفت:

... اما بین ایرانیان طبقه‌ای هست به اسم روحانی و اینها وظیفه دارند اصول دین را به سایر هموطنان خود بیاموزند و آنها را در راه صحیح مذهب هدایت کنند و چون این طبقه برخلاف سایر طبقات فقط جنبه معنوی دارند، جامعه برای آنها احترام خاص قائل است... اما همان طوری که برای هر طبقه‌ای از ملت به همان اندازه احترام می‌گذارند که به وظایف خود عمل می‌نماید، طبقه روحانیون برای اینکه محترم باشند باید به وظیفه معنوی خود عمل نموده و از هر طمع‌ی و از جاه‌طلبی و هر هوسرانی دوری کنند... اخیراً روش بعضی از روحانیون طوری بوده است که اشکالات قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرده است و اولیای امور را وادار نموده است برای حفظ مصالح عالی کشور اقدام نمایند.

... با کمال تأسف حالا باید به مطلبی بپردازم که دردناک و مشمئزکننده است؛ عده بسیار معدودی از روحانیون با همدستی عناصر بسیار پلید خواسته‌اند با استفاده از نفوذ معنوی خود یک تلاش مذبح‌خانه به کار برند و برخلاف اراده تمام ملت جلوی اقدامات آزادی‌بخش اعلی حضرت همایونی را گرفته و امیال پلید خود را ارضا نمایند... و چون ضامن و حارس ثبات و تمامیت و استقلال ایران، شخص شاهنشاه





می باشد حملات خود را متوجه مقام سلطنت نموده، زیرا اطمینان دارند که با تضعیف سلطنت پایه و اساس ایران را متزلزل می نمایند... پاکروان در اینجا لبه تیز حمله خود را متوجه امام کرده و بازشت ترین و مبتذل ترین کلمات او را مورد اسائه ادب و جسارت قرار داده است و بعد ادامه می دهد:

... در اینجا مجبورم از خودم بپرسم که آیا با داشتن مسئولیت امنیت کشور، در انجام وظیفه خود قصور نکرده ام؟ آیا با وجود رأفت و نوع دوستی اعلی حضرت همایونی نمی بایستی که اولیای امور را از نقشه خائنانه تضعیف کشور متوجه ساخته، تقاضای اجازه شدت عمل کرده باشم؟ باید اذعان کنم که اشتباه کرده ام، تصور کرده ام با صبر و حوصله خواهیم توانست با کمک روحانیون عملیات چند نفر خائن را خنثی کنم. در چند ماه اخیر کراراً دوستان و همکاران مرا گوشزد کردند اشتباه می کنی، این طرز عمل نتیجه ای ندارد، خائنین جری خواهند شد. بالاخره در مقابل قرائن عدیده... فهمیدم که به کلی اشتباه کرده ام...^۱ و به شما می توان قول بدهم که دیگر گذشتی نخواهد شد... اطلاع دارند که آقای خمینی و آقای قمی دستگیر شدند و عده دیگری نیز بازداشت شدند. این اشخاص با وجود مقام خیلی ارجمندی که در عالم روحانیت پیدا کردند خواستند بلوایی به راه بیندازند. این اشخاص بدون در نظر گرفتن مصالح عالیه کشور با تمام عناصر مرتجع همدست شدند و متوالیاً تحریک کردند، از هیچ کار کوتاهی نکردند، از هیچ تهمتی خودداری نکردند و کار به جایی رسید که با عوامل خارجی تماس گرفتند و اگر به بعضی حرف های آنها توجه فرمایید، خود خواهید فهمید که چه نقشه هایی داشته اند. در این موقع یکی از خبرنگاران سؤال کرد: آیا اغتشاشات مجدداً به نظر شما که وارد و مطلع هستید روی خواهد داد؟ تیمسار پاکروان در پاسخ گفت: تصور می کنم اغتشاشات مختصری بشود... یکی از خبرنگاران پرسید: ممکن است بفرمایید از چه کشور

۱. گویا میان کارگزاران رژیم بر سر دستگیری یا عدم دستگیری امام، از ماهها پیش از ۱۵ خرداد کشمکش بوده است و پاکروان در زمره کسانی بوده که مخالف بازداشت او بوده و عقیده داشته است که با جنایاتی از قبیل یورش به مدرسه فیضیه، سربازی بردن روحانیان و انتشار فحش نامه به اسم «مصلحین حوزه علمیه قم»، «سازمان زنان» و... می توان امام خمینی را مرعوب و به عقب نشینی واداشت؛ و در اینجا برای اینکه به علت این ارزیابی نادرست مبعوض ملوکانه نشود به «غلط و توبه» پرداخته است.



خارجی پول وارد شده؟ تیمسار پاکروان گفت: جواب این سؤال را بعداً خواهیم داد. تیمسار پاکروان گفت: در تظاهراتی که امروز در قم، شهر ری و تبریز روی داده است، یک موضوع روشن است و آن اینکه توده مردم موافق این جریان نیستند... یکی از خبرنگاران پرسید: آیا اعضای جبهه ملی در این جریان شرکت داشته‌اند؟ تیمسار پاکروان گفت: تا آنجا که من اطلاع دارم خیر و...^۱

به دنبال دروغ پردازی‌های پاکروان، «امیر اسدالله علم» به میدان آمد و کوشید که افکار جهانیان را بفریبد و زمینه را برای محاکمه امام و مقامات برجسته روحانی که دستگیر شده بودند آماده سازد، علم در روز ۱۷ خرداد که نهضت امام خمینی را شکست خورده و تمام شده می‌پنداشت، به مصاحبه با خبرنگاران خارجی نشست، او در این مصاحبه صریحاً اعلام داشت که: «پانزده نفر از بزرگترین پیشوایان مذهبی به زودی تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام را داشته باشد». روزنامه نیویورک هر/الدتریبون در شماره ۸ و ۹ ژوئن، تحت عنوان: «امکان مجازات اعدام برای پانزده نفر از پیشوایان مذهبی در ایران» چنین نوشت:

۷ ژوئن - نخست‌وزیر اسدالله علم امروز گفت پانزده نفر از بزرگترین پیشوایان مذهبی که در آشوب ضد دولتی این هفته در شهرهای مختلف دست داشته‌اند، تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام را داشته باشد. آقای اسدالله علم گفته است که در نتیجه تیراندازی مأمورین در حدود بیست نفر کشته شده‌اند. نخست‌وزیر اضافه کرد که بعضی از سران آشوب‌گران مخفی شده‌اند ولی ما رؤسای آنها را دستگیر کرده‌ایم...

این مصاحبه در مطبوعات داخل کشور انعکاس پیدا نکرد؛ زیرا روشن بود که ملت ایران علی‌رغم خونریزی‌ها و آدمکشی‌های نظام شاهنشاهی، هیچ‌گاه تحمل شنیدن اهانت نسبت به پیشوایان اسلامی خود را ندارد و ممکن است با شنیدن این اخبار، غیرقابل کنترل شوند. شاه نیز برای اینکه از قافله دروغ عقب نماند در ۱۷ خرداد گفت:

... باید به شما بگویم که متأسفانه کسانی که بساط پانزدهم خرداد را به راه انداختند کما اینکه در میان کسانی که یا زخمی شده‌اند یا دستگیر شده‌اند، خیلی از آنها می‌گفتند که ما چه کار کنیم، به ما بیست و پنج

۱. روزنامه‌های عصر تهران، چهارشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.



ریال داده بودند و می گفتند در کوچه ها بدوید و بگویید زنده باد فلانی. ما حالا می دانیم این وجوه از کجا رسیده است و به شما ملت ایران به زودی جزئیات گفته خواهد شد. فقط این موضوع اولاً از لحاظ ایرانیت یک ایرانی که پول خارجی را بگیرد و بر ضد جامعه خودش اقدام کند، این را چه می شود گفت؛ و دوم یک نفر شیعه پول بگیرد از یک نفر مسلمان غیر شیعه این چیست؟

این دروغ که توهین بزرگی به ساحت ملت ایران و مرجعیت دینی بود نشان می داد که نظام شاهنشاهی جاهلانانه همه ی پل های پشت سر این نظام را که در آینده برای توجیه شرعی خود به آن نیاز داشت به کلی ویران می کند و جایی برای حتی دلبستگی صوری مردم به این نظام باقی نمی گذارد.

پیدایش افسانه ی عبدالقیس جوجو به عنوان فردی که از لبنان وارد ایران شده و مبلغی معادل یک میلیون تومان ارز از طرف جمال عبدالناصر برای ایجاد بلوا و به هم ریختن نظم در ایران به همراه داشته نیز نشان می داد که مغز برنامه ریزی و ساماندهی رژیم پهلوی به کلی مسدود و از کار افتاده است.

امام خمینی و ملت ایران در پانزده خرداد کاری ترین ضربات را بر همین مغز ساماندهی وارد کرده بودند.

اظهارات ضد و نقیض، درباره این افسانه ساختگی از طرف مراکز مختلف وابسته به نظام شاهنشاهی، دلیل بارز از کارافتادگی این مغز در ارکان تصمیم گیری های این رژیم بود. زیرا جراید وابسته به نظام فرستاده جمال عبدالناصر را عبدالقیس جوجو و سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد به صورت رسمی او را محمد توفیق القیاس و خلاصه پیرامون دستگیری و اعترافات او نیز تناقض گویی ها شروع شد و این نشان می داد که نظام شاهنشاهی در مقابل نهضت پانزده خرداد نه تنها وجاهت عقلی و شرعی خود را از دست داده اند بلکه حتی نظم سیاسی و برنامه ریزی آنها دچار اختلافات جدی شده است. دروغ های دستگاه شاهنشاهی نه تنها تأثیری در جامعه نداشت بلکه نفرت از نظام شاهنشاهی را بیشتر و پوشالی بودن اقتدار این نظام را در مقابل یک پیرمردی که دستش از همه ابزارهای قدرت خالی و صرفاً تکیه بر حمایت های مردمی داشت نشان می داد.

ساواک در گزارشی پیرامون اثرات این دروغ پردازی ها در جامعه می نویسد:

در چند روز اخیر موضوعی که اعلی حضرت همایونی در نطق خود در

همدان به آن اشاره فرموده که هر نفر ۲۵ ریال گرفته‌اند و در تظاهرات شرکت کرده‌اند، بین مردم مورد تنفر و گفتگو و تمسخر قرار گرفته است و همه می‌گویند ببینید چقدر مردم ایران بدبخت شده‌اند که در پایتخت مملکت، مردم ۲۵ ریال می‌گیرند و جلوی گلوله می‌روند و برای چنین مبلغ جزئی خود را به کشتن می‌دهند. همه مردم روی این مطلب به همین نحو صحبت و اظهار نظر و مسخره می‌کنند.

مأمور ویژه اضافه می‌کند باید به هر ترتیب شده این مطلب که بخصوص دستاویز مخالفین شده به نحوی اصلاح شود.

ساواک در گزارش دیگری از جلسه کارگری «جامعه سوسیالیست‌ها» (نیروی سوم) آورده است:

... گفته بودند شخصی را با یک میلیون تومان دستگیر کرده‌ایم و آن شخص از طرف دولت مصر برای انقلابیون ایران کمک‌هایی می‌آورده است. ما هم می‌دانیم آن شخص یک قاچاقچی حرفه‌ای است که شغلش وارد کردن یا خارج کردن ارز از کشوری به کشور دیگر است، ولی یک میلیون تومان پول نمی‌تواند در انقلاب کشوری مؤثر باشد. مردم بابت خمس و زکات خود میلیون‌ها تومان پول می‌دهند... شاه در نطق خودش گفته است که مردم ۲۵ ریال گرفتند و در این تظاهرات شرکت کردند، با این حرف‌ها آبروی خود را می‌برند.

خارجی‌ها وقتی این حرف‌ها را می‌شنوند می‌گویند ایرانی‌ها چقدر بیچاره و بدبخت هستند که به خاطر ۲۵ ریال جلوی گلوله می‌روند. این حرف‌ها غیر از اینکه دستگاه خودش را ضایع کند کار دیگری انجام نمی‌دهد...

در گزارش دیگر ساواک آمده است:

... مقام سلطنت اینکه در نطق خود اشاره کردند که عبدالناصر موجبات تحریک و اغتشاش را در ایران فراهم ساخته، هم موجب سرشکستگی ایران در افکار جهانیان شده و می‌گویند پایه‌های اجتماعی ایران به قدری سست است که عبدالناصر افریقایی قادر به اخلال در کار ایران است و علاوه بر این، شخصیت عبدالناصر از لحاظ بین‌المللی بالا می‌رود و برای او قدرتی فوق‌العاده قائل می‌شوند که در جلب کمک کشورهای



بزرگ برای کشور مصر کاملاً مؤثر می‌باشد.

نقطه ضعف دیگری که برای بیانات ملو کانه قائل شده‌اند این است که فرمودند مردم با دریافت ۲۵ ریال به این آشوب که خطر مرگ برای آنان در برداشت دست زدند و این امر نشان می‌دهد فقر عمومی در ایران تا چه درجه رسیده که افراد برای ۲۵ ریال جان خود را به خطر می‌اندازند و یا از دست می‌دهند...

حتی برخی روزنامه‌های وابسته نیز نتوانستند آن اتهامات نابخردانه را به ریشخند بگیرند و با کنایه و اشاره گوینده آن را مورد تمسخر قرار ندهند. یکی از روزنامه‌های آن روز زیر عنوان «آدم دانه‌ای ۲۵ ریال» نوشت:

... دیشب شاهنشاه در نطق کشف خویش بر قسمتی از جریان، روشنی افکندند. شاهنشاه فرمودند: کسانی که در جریان حادثه روز چهارشنبه [۱۵ خرداد] بازداشت شده‌اند در بازجویی گفته‌اند سری ۲۵ ریال گرفته‌اند که در تظاهرات شرکت کنند. آنکه به آنها چوبدست داده، گفته نفری ۲۵ ریال می‌گیرید؛ اگر مریدید به بهشت می‌روید، اگر زنده ماندید اجرت یک روز کار گرفته‌اید. فکر کنید، آن طور که می‌گفتند جمعیت تظاهرکننده ده هزار نفر بوده، اگر این جمعیت که فقط از جنوب شهر سرازیر شده، شکسته، بسته، آتش زده، جلوی گلوله قرار گرفته بیکار نبود، کی حاضر می‌شد برای ۲۵ ریال سر خودش را بدهد و وارد یک حادثه نامعلوم و خون‌آلود شود.

حادثه ۱۵ خرداد قیمت سر انسان را در جنوب شهر تعیین کرده است. عده‌ای با میل، سر خودشان را از قرار ۲۵ ریال فروخته‌اند. اگر قیمت انسان را در کشورهای آفریقا بخواهند تعیین کنند، گمان نمی‌بریم از این ارزانتر بشود قیمتی برای زندگی انسان تعیین کرد، قیمتی که رضا و رغبت در آن دخالت داشته است.

اگر وضع این عده از مردم جنوب شهر بهتر بود، شاید به این ارزانی سر خودشان را نمی‌فروختند، لاقلاً قیمت یک سر صد ریال بود. حوادث روز ۱۵ خرداد نشان داد در مدتی که فترت بوده، قیمت زندگی یک آدم حتی از قیمت رأی او در انتخابات هم ارزانتر شده است. چون رأی را به بهای یک روز کار، یعنی از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال می‌فروختند. و روز ۱۵ خرداد

سر انسان از سر گوسفند هم ارزانتر عرضه شده است...^۱
یکی از مقامات ساواک با توجه به نیش و نیشخندهای این مقاله در حاشیه آن نوشته است که: «بسیار بسیار قابل توجه و در خور بررسی و دقت است» و دومی زیرنویس کرده است که:

خلاصه مقاله به این مضمون است که اگر اوضاع اقتصادی ایران خوب بود امکان نداشت که هر آدم در مقابل ۲۵ ریال اجیر شود تا تظاهر نماید! رژیم شاه که خود سازنده و پروراننده این دروغ‌ها بود، به رسوایی بیش از حد و اثر معکوس و منفی آن در افکار عامه پی برد و لذا برای جلوگیری از تمسخر بیشتر جامعه فرمان داد جرایدی را که این را دروغ منعکس ساخته بودند جمع‌آوری کنند و دیگر از این مقوله سخنی به میان نیاورند! رجز خوانی‌ها یکباره فروکش کرد، دیگر کسی از مدارک و اسناد به دست آمده، «دلایل و شواهد زنده» و این‌گونه اسناد شاهانه چیزی نشنید، عبدالقیس جوجوی افسانه‌ای برای همیشه در تاریخ مدفون شد. نظام شاهنشاهی دریافت که هر چه در این زمینه بیشتر داد سخن دهد خود را رسواتر و مفتضح‌تر کرده و خشم و احساسات توده‌ها را بیشتر علیه خود تحریک کرده است. از این رو صلاح خود را در این دیدند که به کلی آن را کنار بگذارند! و از آن سخنی نگویند، حتی شاه در کتابی که به نام/انقلاب سفید منتشر کرده است وقتی به قیام پانزدهم خرداد می‌رسد جرئت نمی‌کند که آن افسانه‌ها را دیگر بار تکرار کند. اگر چه ماجراهای جمال عبدالناصر، عبدالقیس جو جو و محمد توفیق القیاسی تکرار نشد اما شاه هنوز باور نکرده بود که جنبش پانزده خرداد یک جنبش ملی - مذهبی و نمایانگر فقدان و جاهت شرعی، عقلی و قانونی نظام شاهنشاهی بود. بنابراین در این کتاب همان توهمات ساخته ذهن خود را به شکل دیگری تکرار می‌کند و می‌نویسد:

... این غائله به تحریک عوامل ارتجاع توسط شخصی صورت گرفت که مدعی روحانیت بود... در عوض مسلم بود که این شخص ارتباط مرموزی با عوامل بیگانه دارد، به طوری که بعداً دیدیم که رادیوهای آوارگان بی‌وطن حزب سابق توده، یعنی حزبی که اصولاً با خداشناسی مخالف بود، از این شخص به کرات با عنوان آیت‌الله تجلیل کردند و مقام او را به اصطلاح معروف به عرش رسانیدند، ولو اینکه احیاناً تحریکات این

۱. پیغام امروز، ۴۲/۳/۱۹.





شخص از جای دیگری آب می خورد!^۱

در چند سطر پایین تر به این افسانه سرایی چنین ادامه می دهد:

بلوای پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بهترین نمونه اتحاد نامقدس دو جناح
ار تجاع سیاه و قوای مخرب سرخ بود که با پول دسته‌ای از ملاکین که
مشمول قانون اصلاحات ارضی شده بودند انجام گرفت!!^۲

پانزده خرداد افول تمثال همایونی و شکست تجدد و ترقی و توسعه به شیوه نظام
مشروطه سلطنتی در ایران بود. بعد از پانزده خرداد سال ۴۲ و تبعید امام به خارج از ایران
و ظاهراً حذف فیزیکی امام از صحنه سیاسی و اجتماعی، هیچ جریان و سازمان مذهبی
و سیاسی دیگر حرفی از بازسازی نظام مشروطه سلطنتی در ایران به میان نیاورد. پانزده
خرداد ناکارآمدی این رژیم را در ایجاد دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و
فرهنگی به اثبات رسانید.

امام خمینی در سال ۴۲ با حمله به ارکان این نظام، مشروعیت عقلی، شرعی و
تاریخی آن را به چالش کشید و در سال‌های تبعید در نجف با تدوین نظری حکومت
اسلامی الگوی آرمانی خود را برای ایجاد دگرگونی در ایران به جامعه معرفی کرد. امام
خمینی (ره) تنها متفکری بود که برای گذار ایران از یک جامعه استبدادی و عقب مانده و
وابسته به یک جامعه مستقل، آزاد و پیشرفته دارای الگوی نظام سیاسی و اجتماعی بود.
گفتمان امام خمینی در حوزه سامان اجتماعی و نظام اجتماعی، یک گفتمان
برخاسته از الگوهای غربی نبود، امام از دل دین و مذهب شیعه، ارکان نظم اجتماعی
جدید را پایه‌ریزی کرد. در ایران معاصر متفکری وجود ندارد که مانند امام خمینی
هم در فروپاشی نظم کهنه و پوسیده و هم در پایه‌ریزی یک نظام جدیدی و پویا دارای
الگوی مشخصی باشد. پانزده خرداد سرآغاز این نظم جدید و افول تمثال نظام مشروطه
سلطنتی در ایران است و جا دارد که محققین این مرز و بوم به دور از الگوهای رسمی
تحلیل‌های سیاسی و تاریخی که تحت تأثیر آموزه‌های غربی است، با توجه به ساخت
اجتماعی ایران به نقد و تحلیل این حماسه تاریخی بنشینند.

۱. انقلاب سفید، ص ۴۶-۴۵.

۲. همان.